

رابطه آزادسازی تجاری و فقر از منظر ملاحظات نظری و تجربی

عباس شاکری*
سمیه خطیبی**

تاریخ دریافت: ۸۶/۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۶/۶/۲۷

چکیده:

نظریات متفاوتی در خصوص تأثیر جهانی شدن و آزادسازی تجاری بر انرژی رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمدها و فقر مطرح شده است. در این تحقیق با استفاده از مدل وینترز تأثیر تغییرات قیمت کالا و چگونگی توزیع درآمد و تغییرات آن به تبع اتخاذ سیاست آزادسازی تجاری مورد مطالعه قرار گرفته است. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که جهانی شدن و آزادسازی تجاری تأثیر متفاوتی بر اقتصاد کشورها داشته است. در مورد ایران نیز مشخص شده است که اتخاذ سیاست آزادسازی تجاری طی سال‌های مختلف تأثیر چندانی قابل توجهی بر توزیع درآمد به منزله گامی در جهت کاهش فقر نداشته و از لحاظ ایجاد اشتغال نیز نتیجه مطالعه تفاوت آماری معناداری را نشان نمی‌دهد.

واژگان کلیدی: آزادسازی تجاری، فقر، نظریه تجارت، تجارت و رشد، سیستم توزیع، دستمزد و اشتغال، درآمد دولت

۱- مقدمه

موضوع اصلی این تحقیق بررسی رابطه آزادسازی تجاری و فقر است. در این تحقیق به دنبال پاسخ گویی به این سؤال هستیم که آیا آزادسازی تجاری منجر به بهبود سطح رفاه و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه و فقیر شده است یا خیر. اهمیت این موضوع برای کشورهای در حال توسعه و فقیر از این رو است که این کشورها هم اکنون نیز در مقایسه با کشورهای پیشرفته به لحاظ سطح رفاه و درآمد در وضعیت مناسبی نیستند. از

*دکترای اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

**دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

سوی دیگر کشورهای توسعه یافته به منظور گسترش بازار برای محصولات خود به ویژه محصولات صنعتی، به کشورهای توسعه برای گشودن بازارشان فشار وارد می‌کنند. یکی دیگر از وجوه اهمیت پرداختن به مسئله آزادسازی تجاری، جایگاه این مطلب از منظر بحث‌های مربوط به جهانی شدن است. به عبارت دیگر آزادسازی تجاری در واقع یکی از وجوه اقتصادی بحث جهانی شدن است. لذا این مطلب از این منظر نیز مهم می‌شود.

در ادامه به دلیل اهمیت بحث جهانی شدن ابتدا این مفهوم توضیح داده می‌شود. سپس چارچوب نظری مطالعه حاضر ارائه می‌شود. با استفاده از این چارچوب نظری به بررسی تحولات موجود در جهان و شواهد جهانی در این زمینه می‌پردازیم. در بخش بعدی نیز شواهد تجربی در مورد کشور ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد که هدف از این بررسی پاسخ به این سؤال است که آیا آزادسازی در ایران صورت پذیرفته یا خیر و اگر پاسخ مثبت بود تبعات آن به لحاظ توزیع درآمد چگونه بوده است. نکته قابل ذکر این است که در بررسی مربوط به ایران، پیش فرض، ادامه وضعیت موجود به لحاظ دارا بودن درآمد و ثروت حاصل از فروش نفت خام است. در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲- مفهوم جهانی شدن، ابعاد آن و جایگاه آزادسازی تجاری در این مبحث

یکی از پدیده‌هایی که در جهان در حال تحول ما به چشم می‌خورد جهانی شدن است. هرچند پدیده جدیدی نیست که مختص قرن بیست و یکم باشد. پدیده جهانی شدن وجوه متفاوتی دارد که به عنوان مثال می‌توان به جهانی شدن اقتصاد یا جهانی شدن فرهنگ اشاره کرد. این وجوه در ارتباط تنگاتنگ با هم هستند و آثار متقابل بر یکدیگر هم دارند. تمرکز ما در این مطالعه به طور کلی بر وجه اقتصادی جهانی شدن است. استانلی فیشر^۱ در مقاله خود به نام "جهانی شدن و چالش‌های آن"^۲ تعریف زیر را از جهانی شدن اقتصاد^۳ ارائه می‌دهد: "روند رو به گسترش وابستگی اقتصادی بین کشورها که خود را در افزایش تجارت کالاها و خدمات و افزایش جریان مالی بین‌المللی و افزایش تحرک‌پذیری نیروی کار نشان می‌دهد."^۴ او طبق این تعریف سه دوره این پدیده را از هم متمایز می‌کند. دوره اول مربوط به سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۳ می‌شود. در این دوره علاوه بر آزادی نقل و انتقال کالا و خدمات، نیروی کار نیز به سهولت از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌شد.

دوره دوم مربوط به سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ است و تفاوت آن با موج اول جهانی شدن در محدودیت تحرک نیروی کار است. دوره سوم از ۱۹۸۰ به بعد را شامل می‌شود.

فیشر در تعریف خود به سه عنصر مهم به عنوان شاخص‌های جهانی شدن اشاره می‌کند که عبارتند از تجارت کالاها و خدمات، جریان‌های مالی و تحرک‌پذیری نیروی کار. از نظر وی هر چه شدت و میزان این شاخص‌ها بیشتر باشد امکان تحقق رویای جهانی شدن حداقل در وجه اقتصادی بیشتر می‌شود. این شاخص‌ها به شدت تحت تأثیر عملکرد کشورهای مختلف است. لذا جهانی شدن اقتصاد اتفاق نمی‌افتد مگر این‌که همه کشورها به این نتیجه برسند که افزایش تجارت کالا یا آزادی جریان‌های مالی یا تحرک‌پذیری نیروی کار برای آن‌ها نفع خالص به بار می‌آورد یعنی در کل نفع آن بیش از ضرر آن است. تجارت کالاها و خدمات در میان این سه شاخص از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا هم به لحاظ نظری در علم اقتصاد در یک حوزه جداگانه مورد بحث و مطالعه قرار می‌گیرد و هم به لحاظ اجرایی در سطح بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد و سازمان تجارت جهانی به صورت تخصصی در این زمینه فعالیت می‌کند. طبق استدلال نظری تجارت کالاها و خدمات به شدت بر تخصیص منابع و هم‌چنین بر توزیع درآمد چه به لحاظ ملی و چه به لحاظ بین‌المللی اثرگذار است و می‌تواند برای برخی از کشورها یا برخی از اقشار جامعه در داخل یک کشور رفاه بیشتر یا فقر بیشتر به بار آورد.

از آن‌جا که این گزینه اخیر، پدیده‌ای چندبعدی است و به شدت بر همه ابعاد حیات جمعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد در نتیجه یکی از نگرانی‌ها نسبت به تبعات اتخاذ سیاست آزادسازی تجاری تأثیر آن بر فقر است. این مسئله نه تنها در داخل یک کشور مهم است بلکه به دلیل تأثیرگذاری بر موقعیت نسبی کشور در میان سایر کشورها نیز مهم می‌شود. زیرا کشورهای در حال توسعه و فقیر هم‌اکنون نیز فاصله زیادی با کشورهای پیشرفته دارند. اتخاذ هر تصمیمی که باعث بدتر شدن این شرایط شود، می‌تواند شرایط بسیار وخیمی را برای این کشورها فراهم کند. این در حالی است که کشورهای توسعه یافته، با شتاب بیشتری رو به جلو حرکت می‌کنند.

۳- چارچوب نظری

عمده حامیان این نظریه که آزادسازی باعث کاهش فقر می‌شود وابسته به جریان مرسوم علم اقتصاد هستند. آنچه در زمان آدام اسمیت به نام مزیت مطلق و در زمان دیوید

ریکارδο به نام مزیت نسبی مطرح شد به نحوی مبانی نظری دیدگاهی را نشان می‌دهد که حامی نفع تجارت آزاد برای طرفین تجاری است که البته در نهایت نفع کل حاصل از تجارت را بیان می‌کند.

اما آیا آزادسازی تجاری می‌تواند فقر را کاهش دهد؟ این پرسشی جدید نیست و سابقه آن به ۱۷۰ سال قبل برمی‌گردد. در سال ۱۸۳۷ "آکادمی علوم سیاسی و اخلاق" پاریس پرسشی را به صورت زیر مطرح می‌کند که "اگر کشوری بخواهد به تجارت آزاد روی آورد یا تعرفه‌های خود را عوض کند چه عواملی را باید به حساب آورد تا منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به عادلانه‌ترین وجه ممکن با یکدیگر سازگار گردد؟"^۵

این پرسش در شرایطی مطرح شد که انگلستان به یک قدرت بزرگ صنعتی در اروپا تبدیل شده بود و مصرانه خواستار آزادسازی تجاری از سوی دیگر کشورها برای افزایش مناسبات تجاری با این کشور بود. در پس این سؤال، می‌توان نگرانی‌هایی را دید که کشورهای کمتر پیشرفته در آن زمان نسبت به نتایج حاصل از آزادسازی تجاری داشتند. فردریک لیست^۶، اقتصاددان آلمانی، یکی از شرکت‌کنندگان در این مسابقه بود. او از اولین اقتصاددانانی بود که در نقد آموزه‌های اقتصاد مرسوم یا کلاسیک صحبت از ناهمگنی کشورها و تفاوت در وضعیت اولیه آنها کرد. وی با انتقاد شدید از تبلیغات انگلستان به نفع آزادسازی تجاری بیان کرد که کشور انگلستان به سطحی از تکنولوژی و پیشرفت‌های صنعتی دست یافته‌است که برای حداکثر کردن منافعش، آزادسازی را تبلیغ می‌کند. اما کشور آلمان در آن سطح از توانایی‌ها نیست و لذا نیازمند حمایت است تا به آن سطح برسد.

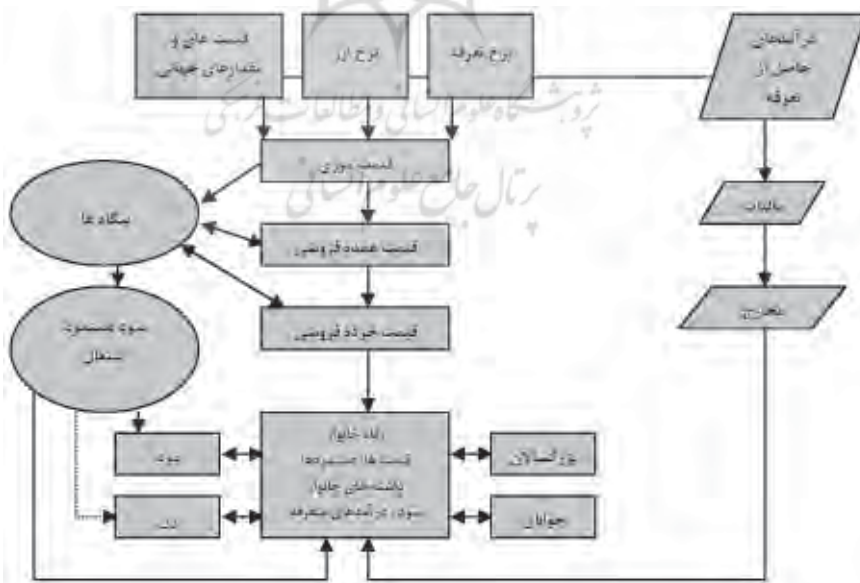
دیدگاه کلی اقتصاددانان این است که وضعیت کشورهای با اقتصاد آزاد نسبت به کشورهای با اقتصاد بسته بهتر است پس سیاست‌های آزادسازی می‌تواند در توسعه و رشد و کاهش فقر نقش بسزایی ایفا کند.^۷ اما برخی از تحلیلگران اقتصادی نسبت به این مسئله نگرانی دارند که آزادسازی تجاری در کوتاه مدت ممکن است برای کشورهای فقیر آسیب‌زننده باشد و هم‌چنین این‌که رژیم‌های آزادسازی موفق، حتی در بلندمدت نیز ممکن است برخی از اقشار مردم را کماکان در فقر بگذارد.

اثر آزادسازی بر فقر را می‌توان هم به صورت ایستا و هم به صورت پویا بررسی کرد. برای انجام بررسی در این زمینه نیاز به مدلی داریم که علاوه بر نشان دادن عوامل مشترک در کشورهای مختلف، قابلیت نشان دادن وجوه افتراق را نیز داشته باشد. مدل‌های

اقتصاد سنجی به دلیل کاربست مدل یکسان برای همه کشورهای مورد مطالعه، این مزیت را دارد که نتایج را به صورت عدد و رقم ارائه می دهد و باعث تسهیل مقایسه بین کشورهای مختلف می شود. اما قابلیت برجسته کردن وجوه افتراق کشورها در زمینه چگونگی اثرگذاری را بسیار کم در خود دارد. در نتیجه ما برای بررسی از یک مدل سیستمی استفاده می کنیم که در قالب آن روابط علت و معلولی میان آزادسازی تجاری و فقر بررسی شده است. این مدل توسط آلن وینترز ارائه شده است. مزیت این مدل در آن است که با معرفی مجراهای مهم تأثیرگذار که اثر آزادسازی تجاری را به درآمد و فقر خانوار منتقل می کند این امکان را فراهم می کند که تفاوت کشورهای مختلف در اتخاذ سیاست ها و هم چنین تفاوت آن ها در وجود نهادهای مختلف و کارکرد آن ها را نیز به نحوی در بررسی این رابطه لحاظ کرد. لذا محدودیت های مدل های سنجی به کاررفته در مطالعات بین کشوری که به طور یکسان برای همه کشورها مورد استفاده قرار می گیرد را ندارد. به همین دلیل ما این مدل را انتخاب کردیم. در قسمت الف به تشریح مبانی نظری این مدل خواهیم پرداخت.

به لحاظ پویا، آزادسازی تجاری از مجراهای مختلفی می تواند فقر را تحت تأثیر قرار دهد. اما مهمترین دفاعی که از آزادسازی می شود اثر آن از مجرای رشد اقتصادی است.

نمودار ۱ - رابطه علی اثر آزادسازی تجاری بر فقر



استدلالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چون آزادسازی تجاری یک تولید را بزرگ‌تر می‌کند لذا وضع کشور و به تبع آن وضع فقرا بهتر خواهد شد. پایه‌های تئوریک این بخش حاصل مطالعاتی است که در ادبیات اقتصاد کلان به عنوان تئوری رشد درون‌زا شناخته می‌شود. تئوری‌هایی که آزادسازی تجاری را در بلندمدت در ارتباط با رشد می‌بیند، بیشتر بر پایه مدل‌های تغییر تکنولوژیکی درون‌زا^۸ است. در این زمینه می‌توان به نظریات رومر^۹ یا گروسمن^{۱۰} و هلیمن^{۱۱} اشاره کرد.

چرا این مباحث را در مورد کشور ایران بررسی می‌کنیم؟ اهمیت بحث تجارت برای ایران از آن رو است که سال‌هاست کشور در تلاش برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی است. سازمانی که با عضویت در آن کشور طی فرآیندی مجبور به آزادسازی‌های وسیع خواهد بود. از طرف دیگر میزان سهم کشور در مبادلات بین‌المللی به عنوان شاخصی از توان رقابت‌پذیری است در نتیجه به تلویح بیان می‌شود که با آزادسازی‌های وسیع می‌توان توان رقابت‌پذیری کشور را افزایش داد. از سوی دیگر ما آثار آزادسازی تجاری بر فقر را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. سؤال دیگر این است که چرا این رابطه را برای کشور ایران مورد آزمون قرار می‌دهیم؟ بالا بودن درآمد سرانه یک کشور به مفهوم قرار گرفتن آن کشور در گروه کشورهای ثروتمند نیست زیرا که برخی کشورهای نفت خیز جهان از درآمد سرانه بالایی برخوردار هستند لکن ساختار اقتصادی آنها حاکی از دوگانگی شدید اقتصادی این کشورها است. هم‌چنین این کشورها به دلیل وابستگی شدید اقتصادی به درآمدهای نفتی و واردات کالاهای مصرفی در ردیف کشورهای توسعه نیافته قرار می‌گیرند به طوری که اگر صدور نفت این کشورها قطع شود بنیان‌های اقتصادی آنها به شدت به مخاطره می‌افتد. برای کشور ایران نیز وضعیتی مشابه برقرار است.

در ادامه این بخش به توضیح دو مطلب می‌پردازیم. اول آن که مجراهای بررسی شده در مدل وینترز از چه مبنای نظری برخوردار هستند. دوم آن که مطالعات پویا به چه روشی بحث رابطه تجارت و اثر آن بر رشد را مطرح می‌کند.

الف - مبنای نظری مدل وینترز در مطالعه ایستا

خانوار در مدل وینترز به عنوان واحدی انتخاب می‌شود که اثر آزادسازی روی آن دیده می‌شود که طبق مدل، سه مجرا برای این اثر تعیین شده است. اولین مجرا مربوط به اثرپذیری درآمد دولت از سیاست‌های تجاری و اثر آن بر فقر است. مبنای نظری این رابطه

در اقتصاد خرد و در زیر شاخه اقتصاد رفاه مطرح می‌شود. در اقتصاد رفاه این گونه بحث می‌شود که باید از منابع موجود در اقتصاد به نحو کارآ استفاده کرد. وقتی اقتصاد کارآ است که سه ویژگی به طور همزمان وجود داشته باشد. این سه ویژگی عبارتند از کارآئی در مصرف، کارآئی در تولید و کارآئی در ترکیب محصول. اما وقتی کارآئی حتماً مطلوب است که برابری نیز کاملاً تأمین شده باشد.

به عبارت دیگر وقتی توزیع درآمد صحیح باشد رسیدن به کارآئی مطلوب است.^{۹۱} در نتیجه حضور دولت و دخالت آن در اقتصاد از جنبه نظری قابل حمایت است. مالیات مهم‌ترین ابزار دولت در زمینه بازتوزیع درآمد است. پس باید دید آزادسازی تجاری چه تأثیری بر درآمد دولت از ناحیه تغییرات مالیاتی می‌گذارد. آن چه از این بخش حاصل می‌شود این است که به هر حال در مورد کاهش توان دولت در انجام وظایف رفاهی‌اش نگرانی وجود دارد. این که کشورها در پی اتخاذ آزادسازی تجاری چه وضعیتی پیدا می‌کنند مورد به مورد در کشورها متفاوت است. این مسئله را در مورد ایران بررسی خواهیم کرد.

دومین مجرا مربوط به اثر آزادسازی بر شرایط اشتغال و دستمزد است. مهم‌ترین نظریه در این زمینه تئوری استالپر ساموئلسون است که نتیجه می‌گیرد در صورت آزادسازی تجاری، عامل تولید فراوان کشور نفع بیشتری نسبت به عامل تولید کمیاب می‌برد. تئوری‌های دیگری که در این زمینه مطرح شدند همه‌شان به نحوی در تقابل با این تئوری یا به منظور تکمیل آن ارائه شدند. توصیه سیاستی این تئوری به کشورهای در حال توسعه با این پیش فرض که عمل تولید فراوان در این کشورها نیروی کار است این است که با آزادسازی تجاری نیروی کار است که بیشترین نفع را می‌برد در نتیجه این مسئله منجر به کاهش فقر در کشور می‌شود. نقدهای مختلفی به این تئوری وارد شده است که مهم‌ترین آن‌ها معمای مزلر و تئوری توسعه لوئیس است که هر کدام با نقد یکی از پیش فرض‌های تئوری استالپر ساموئلسون نتایج مختلفی گرفته‌اند.

سومین مجرا مربوط به اثر آزادسازی تجاری بر قیمت کالاهاست. همان‌طور که در نمودار ۱ نیز مشخص است قیمت کالاها تا مرز کشور توسط بازارهای جهانی تعیین می‌شود. از آن به بعد سیستم توزیع کشور است که در قالب عمده‌فروشی و خرده‌فروشی بر قیمت کالا تأثیر گذاشته و قیمت نهایی کالا را برای مصرف‌کننده نهایی کالا یا همان خانوار تعیین می‌کند. این سیستم نیز مورد به مورد و در کشورهای مختلف، متفاوت

خواهد بود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در مدل وینترز امکان تطبیق و تعدیل مدل با سیستم اقتصادی موجود کشور وجود دارد بدین معنا که به عنوان مثال در مدل، چگونگی تأثیرپذیری دولت از آزادسازی تجاری به شدت بستگی به ترکیب منابع درآمد دولت دارد.

ب - مطالعات پویا

یکی از مهمترین پیش فرض‌های مطالعات ایستا این بود که میزان نهاده‌ها ثابت است و هم‌چنین نوع تکنولوژی نیز داده شده و ثابت است. اما آن‌چه واقعیت دارد این است که مقدار نهاده‌ها مثل نیروی کار و سرمایه در طول زمان در حال تغییر است و هم‌چنین تکنولوژی نیز در کشورها در حال پیشرفت و بهبود است. سؤال این است که در این شرایط آزادسازی تجاری بر فقر چه تأثیری خواهد داشت؟ همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد ما از کانال رشد این بحث را دنبال می‌کنیم.

رشد و تجارت بر هم اثر متقابل دارند. یکی از مهم‌ترین تئوری‌های مطرح در زمینه اثر رشد بر تجارت، تئوری رشد قهقراپی باگواتی است که در سال ۱۹۵۸ مطرح شد. البته راثول پربیش در سال ۱۹۵۰ این مسئله را مطرح کرده بود. جدیدترین تئوری در مورد اثر تجارت بر رشد نیز به نسل جدید نظریات مربوط به اثر تجارت بر رشد در دهه ۱۹۹۰ میلادی تحت عنوان تئوری‌های رشد درون‌زا مربوط می‌شود. نسل اول تئوری‌های رشد به نظریات آدام اسمیت و ریکاردو و مارکس بازمی‌گردد که رشد را درون‌زای می‌دیدند. نسل دوم به تئوری‌های سولو و مارشال و کسل مربوط می‌شود که رشد را برون‌زا فرض می‌کنند. اما در نسل سوم تئوری‌های رشد درون‌زا در واقع بازگشتی به تئوری‌های نسل اول را شاهدیم که دوباره صحبت از درون‌زایی رشد می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت که تجارت می‌تواند باعث افزایش نرخ پیشرفت تکنولوژیکی شود و از دو راه توسعه بازار محصول و بسط بازار نهاده‌ها بر افزایش بهره‌وری اثر بگذارد.

رومر می‌گوید که آزادسازی تجاری باعث می‌شود که تولیدکنندگان داخلی به طیف وسیع‌تری از کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای واسطه‌ای و دانش مولد دسترسی داشته باشند که این خود می‌تواند به افزایش بهره‌وری منتج شود. توصیه سیاستی این دسته از نظریات نیز اتخاذ سیاست آزادسازی تجاری است ولی این بار پیش فرض‌های لازم برای دستیابی به نتیجه نیز مطرح می‌شود.

در بخش سوم این مطالعه نشان می‌دهیم که چه شرایط و ملاحظاتی وجود دارد تا پیش

بینی این تئوری‌ها تحقق یابد تا شاهد آثار رشدزای تجارت و اثر آن بر کاهش فقر باشیم. در بخش مطالعات ایستادن نظریات طبق مدل وینترز در مجموع از سیاست‌های آزادسازی حمایت می‌کند و در بخش مطالعات پویا نیز به نوعی همین جهت‌گیری وجود دارد. در بخش بعدی این مطالعه به بررسی شواهد تجربی در این مورد می‌پردازیم.

۴- شواهد تجربی در جهان

در زمینه آثار آزادسازی تجاری بر فقر و چگونگی توزیع منافع حاصل از روابط تجاری بین کارشناسان اقتصادی اتفاق نظری وجود ندارد اما غالب آن‌ها معتقدند که آزادسازی تجاری هم برندگانی دارد و هم بازندگانی و اصولاً آزادسازی تجاری بر یک موضوع مشخص برنده و بازنده متمرکز است چه بین کشورها و چه بین بخش‌ها و طبقات یا حتی نسل‌ها در داخل یک کشور. تنها تفاوت بر سر راه حل آن است.^{۱۳} در کنار این‌گونه اظهارنظرها در دنیای واقعی نمی‌توان به الگوی مشخصی در زمینه آثار و تبعات درآمدی آزادسازی تجاری رسید. در برابر مطالعاتی که به شدت به حمایت از آزادسازی تجاری و اثر آن بر کاهش فقر طی دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی می‌پرداخت مطالعاتی انجام شد که به نقد آن‌ها هم از جهت صحت داده‌ها و هم از جهت چگونگی نتیجه‌گیری و ارائه داده‌های بیشتر در زمینه توزیع درآمد می‌پرداخت. یکی از مهم‌ترین بحث‌های مطرح شده به این مطلب اشاره دارد که در حالی که به طور نسبی، شکاف نسبی درآمد کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته کاهش یافته و نسبت درآمد کشورهای پیشرفته به درآمد کشورهای در حال توسعه و فقیر از ۶/۹ در سال ۱۹۹۰ به ۶/۷ در سال ۲۰۰۱ میلادی رسیده است اما شکاف مطلق افزایش یافته است به طوری که متوسط GDP سرانه در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته و فقیر طی این فاصله زمانی از ۱۶۱۰۰ دلار به ۱۹۱۰۰ دلار رسیده است. یعنی به میزان ۳۰۰۰ دلار با هم اختلاف دارند. این بدان معناست که طی این دوره به طور نسبی کشورهای توسعه‌نیافته و فقیر توانسته‌اند خود را به کشورهای پیشرفته برسانند اما شاهد افزایش شکاف مطلق ۱۴ بوده‌ایم و این افزایش در شکاف مطلق واقعا بیش از سطح متوسط درآمدها برای هر نفر در کشورهای توسعه‌نیافته و فقیر در سال ۱۹۹۰ بود. سطح متوسط درآمد در کشورهای توسعه‌نیافته در این سال معادل ۲۷۰۰ دلار بود. مطلب بعدی مربوط به تغییر مفهوم فقر مطلق است. جهانی شدن می‌تواند این را نیز تغییر دهد. در اروپا اگر خانوار کمتر از نصف درآمد متوسط جامعه را دریافت کند در گروه

فقرا محسوب می‌شود.^{۱۵} توجیه این مطلب به این صورت است که حداقل استانداردهای مورد قبول افزایش یافته است. در نتیجه به منظور این که افراد در جامعه‌ای که استانداردهای زندگی در آن رو به افزایش است سهمیم شوند باید درآمد حقیقی‌شان افزایش یابد. جهانی شدن، اطلاعات مربوط به مصرف و سطح زندگی در هر گوشه‌ای از دنیا را منتشر می‌کند و این باعث می‌شود ناهمگونی و تفاوت استانداردهای زندگی بسیار روشن‌تر گردد. مطالعه ساتکلیف^{۱۶} نشان می‌دهد آن نسبت از جمعیت دنیا که درآمدی کمتر از نصف میانگین جهانی دارند طی دهه ۹۰ میلادی واقعا افزایش یافته است و از حدود ۲۵ درصد به بیش از ۲۷ درصد رسیده است.

یکی دیگر از شواهد تجربی که به نحوی می‌تواند نشان‌دهنده اعتماد کشورها به خصوص کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته به ثوری‌های تجارت بین‌الملل و پیش‌بینی این ثوری‌ها باشد اجلاس اخیر سازمان تجارت جهانی در ژنو است. این اجلاس که ادامه اجلاس دوحه بود نیز با شکست مواجه شد چرا که کشورهای توسعه‌یافته در مورد تجارت کالاهای کشاورزی نتوانستند به توافقی معقول با کشورهای در حال توسعه و فقیر دست پیدا کنند. روند این اجلاس به خوبی نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته حاضر نیستند شرایط کشاورزان خود را به خاطر مصالح و نفع جهانی به خطر بیندازند.^{۱۷} اگر بخواهیم پیش‌بینی‌های تفوریک طبق مدل ایستای وینترز را با شواهد تجربی دنیای واقعی محک‌بزنیم مشاهده می‌شود که در مورد کشورهای توسعه‌یافته نتایج تقریبا شبیه به هم است اما در مورد کشورهای توسعه نیافته نتایج بسیار متفاوت است. جداول ۱ و ۲ نشان‌دهنده تغییر دستمزد و اشتغال و هم‌چنین تغییر درآمد دولت و مخارج عمومی آن طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی است که به زعم فیشر، منطبق با موج سوم جهانی شدن و آزادسازی تجاری است.

نشان‌دهنده چارک اشتغال است به طوری که Q۴ نشان‌دهنده چارک اشتغال نیروی کار با بالاترین تخصص است. نتایج حاصل از جدول ۱ نشان می‌دهد که افزایش نابرابری درآمدها، روند غالب طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی بوده است. در کشورهای اروپایی نابرابری دستمزد در نیمه پایین توزیع نوعا کاهش یافته است. اما در آمریکا این نابرابری افزایش یافته است البته مقدار آن نسبت به دهک‌های بالاتر، کمتر است. در کشور آمریکا جهت تغییرات در اشتغال طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی به نحوی بود که نیروی کار با تخصص پایین بیشتر به کار گرفته شود. طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی در اروپا نیروی کار

جدول ۱. تغییر در درآمد نسبی و اشتغال نیروی کار غیر ماهر در کشورهای توسعه یافته طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی

تغییر در نرخ اشتغال نسبی (درصد تغییرات متوسط)			تغییر در درآمد نسبی (درصد تغییرات متوسط)			
Q_{20}/Q_{10}	Q_{10}/Q_{00}	Q_{10}/Q_{01}	d_{20}/d_{10}	d_{10}/d_{00}	d_{10}/d_{01}	
۰	-۰/۴	-۰/۵	۰/۳۰	-۰/۶	۱/۰	آمریکا
-۰/۹	-۰/۱	-۰/۴	-۰/۳۳	-۰/۴	-۰/۵	آیرونا
۰/۵	۰	۰/۳	-۰/۱	۰/۵	۰/۵	کشورهای OECD

منبع: گلین (۲۰۰۴)، ص ۹

غیر ماهر با کاهش اشتغال روبرو بوده‌است. زیرا نسبت به گروه‌های دیگر شانس کمتری برای تصاحب فرصت‌های شغلی داشته‌است.

در واقع هیچ مسابقه رو به پایین^{۱۸} مشخصی در مورد هزینه‌های دولت رفاه دیده نمی‌شود. داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که سهمی از GDP که در سال ۱۹۹۸ به مخارج اجتماعی اختصاص یافته نسبت به سال ۱۹۸۰ افزایش یافته‌است.

در مورد کشورهای در حال توسعه مشخص نیست آیا کارگران با مهارت پایین که اکثراً فقیر هستند عامل تولیدی هستند که در کالای تجاری بیشتر به کار می‌رود یا خیر. مطالعه هنسن و هریسون^{۱۹} نشان می‌دهد آزادسازی تجاری در مکزیک نتوانست دستمزد کارگران غیر ماهر را افزایش دهد چون قبل از آزادسازی تجاری از این کارگران حمایت می‌شد.^{۲۰}

جدول ۲. مقایسه تغییرات نرخ مالیات بر شرکت‌ها و مقدار مخارج عمومی در چند کشور توسعه یافته منتخب و شاخص کلی

مخارج عمومی (درصد از GDP)		نرخ مالیات بر شرکت‌ها (درصد)		
۱۹۹۸	۱۹۸۰	۲۰۰۱	۱۹۸۰	
۲۸/۸	۲۱/۱	۲۱	۲۴	فرانسه
۲۷/۳	۲۰/۳	۲۸	۲۷	آلمان
۱۶/۷	۱۰/۱	۲۲	۴۲	ژاپن
۳۱/۰	۲۹/۰	۱۶	۴۳	سوئد
۲۶/۷	۱۸/۲	۲۰	-	انگلستان
۱۶/۴	۱۲/۱	۲۴	۲۲	آمریکا
۲۲/۴	۱۹/۱	۲۲	۲۸	OECD
۵/۴	۵/۴	۷	۱۵	انحراف معیار

منبع: گلین (۲۰۰۴)، ص ۱۰

مطالعه مارتین رامادا^{۲۱} در مورد کشور اوروگوئه نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین حمایت و میزان اشتغال در صنایع کارخانه‌ای وجود دارد.^{۲۲} هم‌چنین آدریان وود^{۲۳} این مسئله را برای کشورهای آمریکای لاتین نشان می‌دهد و می‌گوید ساختار نظام تعرفه در کشورهای آمریکای لاتین از نیروی کار غیر ماهر حمایت می‌کرد. در نتیجه با آزادسازی تجاری، دستمزد آنان کاهش یافت. مسئله بعدی مربوط به نابرابری دستمزدی می‌شود که در نتیجه تفاوت در مهارت به وجود می‌آید. شکاف مهارتی می‌تواند خود را در کاهش دستمزد نیروی کار غیر ماهر نشان دهد. در این زمینه می‌توان گفت شکاف مهارتی گسترده در کشورهای در حال توسعه به مثابه رد مدل تجارت و توزیع درآمد با نیروی کار فراوان است. زیرا نیروی کار ماهر و غیر ماهر دو نهاده مجزا از هم هستند. آدریان وود نشان می‌دهد تجربه آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی از این حیث با هم تفاوت بسیار دارد. آمریکای لاتین در تجربه سیاست آزادسازی تجاری موفق نبود. بر خلاف آسیای جنوب شرقی در آمریکای لاتین شکاف مهارتی در حال افزایش بود. در آسیای جنوب شرقی آزادسازی همراه با شکاف مهارتی کم بود. در کشورهای شرق آسیا تحصيلات ابتدایی به طور گسترده وجود دارد که باعث افزایش عرضه نسبی نیروی کار ماهر و در نتیجه افزایش بهره‌وری می‌شود.

اختلاف دیگر کشورهای آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی به شیوه اتخاذ سیاست‌های آزادسازی برمی‌گردد. آزادسازی در آمریکای لاتین در زمینه واردات صورت گرفت در حالیکه آزادسازی تجاری در کشورهای آسیای جنوب شرقی همراه با فراهم کردن افزایش انگیزه صادراتی بود. دنی رودریک می‌گوید تایوان و کره جنوبی اصلاح تجاری را نه از طریق آزادسازی واردات بلکه از طریق مشوقات مالیاتی سخاوتمندانه انجام دادند.^{۲۴} دلیل دیگر شکست کشورهای آمریکای لاتین در تجربه سیاست‌های آزادسازی تجاری ورود کشورهای مثل چین در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی به بازار جهانی بود. ورود کشورهای مثل چین باعث شد تا آمریکای لاتین در زمان آزادسازی تجاری در حقیقت وفور نیروی کار غیر ماهر نداشته باشد بلکه وفور منابع طبیعی داشته باشد.

مطالب حاصل از این بخش نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه و فقیر، اثر آزادسازی بر دستمزد و اشتغال را بسیار مشکل می‌توان پیش‌بینی کرد زیرا این نتیجه‌گیری علاوه بر تأثیرپذیری از متغیرهای مهم دیگری چون سیاست‌های دولت به شدت وابسته به ساختار بازار کار و مقدار نیروی کار ماهر و غیر ماهر نیز هست. در مورد درآمدهای

مالیاتی نیز باید گفت وقتی مقدار تعرفه‌ها رو به کاهش است به طور حتم درآمد مالیاتی حاصل از آن نیز کاهش می‌یابد، اما آیا این کاهش درآمد بر هزینه‌های عمومی و رفاهی در کشورهای در حال توسعه اثر داشته است یا خیر؟ به نظر می‌رسد در مورد کاهش درآمد دولت و چگونگی جبران آن از یک سو و تأثیر این کاهش درآمد بر فقرا از سوی دیگر، آن چه مهم است تصمیمات سیاستی است که در هر کشور اتخاذ می‌شود. علاوه بر آن چگونگی تأثیرگذاری آزادسازی بر درآمد دولت به شدت متأثر از میزان اتکای دولت به درآمد مالیات حاصل از واردات است. در نهایت با استفاده از مشاهدات نتیجه کلی و مشخصی نمی‌توان بدست آورد و نتایج کشور به کشور متفاوت است. ما این مسئله را در مورد کشور ایران نیز بحث خواهیم کرد.

طبق آثار پیش‌بینی شده توسط مطالعات پویا به اهمیت انتقال تکنولوژی در جریان تجارت اشاره شد. اما باید دید آیا واقعیت‌های تجربی نشان‌دهنده آثار رشدزای آزادسازی تجاری است و آیا منافع حاصل از این رشد به فقرا رسیده و باعث بهبود وضعیت آن‌ها شده است یا خیر؟

در پاسخ به سؤال اول، مطالعات مختلف به نکات بسیار مهمی اشاره کرده‌اند از جمله لزوم وجود سیاست‌های مکمل و اهمیت فضا و نهادهای اقتصادی. مطالعات نشان می‌دهد در فضائی که رانت اقتصادی وجود داشته باشد آزادسازی تجاری می‌تواند سبب افزایش رشوه شود که موجب کاهش سرمایه‌گذاری و رشد می‌شود و ضررهای ناشی از رشوه همراه با آزادسازی بیشتر، افزایش می‌یابد. در باب اهمیت نهادها، دنی رودریک با مطالعه تجربه کشورهای آسیای شرقی به این نتیجه می‌رسد که اصول اقتصادی از یک کشور به کشور دیگر تغییر نمی‌کند بلکه شاکله و ساختار نهادها است که عوض می‌شود و وظیفه نخبگان اقتصادی نیز طراحی یک سیستم مطابق با شرایط کشور برای رسیدن به آن اصول اقتصادی است. او معتقد است سیاست‌های غیر استاندارد می‌تواند در خدمت اصول اقتصادی سالم قرار گیرد.^{۲۵} هم‌چنین تکنولوژی نیز به راحتی انتقال نمی‌یابد چرا که حق "مالکیت معنوی"^{۲۶} باعث شده تا تکنولوژی به صورت یک کالا در بیاید. در نتیجه هیچ تضمینی وجود ندارد در کنار آزادسازی تجاری که مختص کالاها و خدمات است انتقال تکنولوژی صورت گیرد تا باعث رشد شود. علاوه بر آن ظرفیت جذب تکنولوژی هم مهم است. تحقیقات کو و هلپمن^{۲۷} نشان داد که بهره‌وری کل نهاده موقعی افزایش می‌یابد که کشور با یک اقتصاد مبتنی بر تحقیقات^{۲۸} تجارت کند. در این شرایط تجارت به عنوان یک مجرا

برای انتقال پیشرفت‌های تکنولوژیکی نقش دارد. مطالعه تجربی ایشان این نتیجه را برای OECD تایید می‌کند. اما باید دید آیا کشورهای دیگر توان جذب این تکنولوژی را دارند یا خیر. آنچه در عالم واقع روی می‌دهد حکایت از این دارد که در فضای تجارت بین‌المللی کشورهایایی که به لحاظ سطح تکنولوژی شبیه هم هستند بیشتر با هم داد و ستد می‌کنند. یک دلیل آن ممکن است این باشد که کالاهایی که تولید می‌کنند بیشتر مورد پسند همدیگر است. دوریک و گولی هم به این مسئله پرداخته‌اند. آنان وقتی می‌خواهند به دلایل تغییر جهت منافع حاصل از تجارت از کشورهای فقیر به کشورهای غنی بعد از دهه ۸۰ میلادی بپردازند می‌گویند^{۲۹} قبل از دهه ۸۰ میلادی، تکنولوژی منتقل‌شونده بیشتر شامل کالاهای سرمایه‌ای و دانشی می‌شد که برای راه‌اندازی کارخانه‌ها لازم بود و کشورهای در حال توسعه می‌توانستند خودشان را با این شرایط تطبیق دهند. از دهه ۸۰ میلادی به بعد، تکنولوژی به فرآیندهای پیچیده‌ای تبدیل شد مثل تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات که در این جا کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه به دلیل کمبود سرمایه انسانی^{۳۰} و زیر ساخت‌های فیزیکی^{۳۱} نمی‌توانستند این نوع تکنولوژی را جذب کنند.

نکته دیگر این‌که اگر تجارت بیشتر موجب انتقال بیشتر تکنولوژی بیشتر بشود آیا این روند، روند خوبی است؟ شاید ورود تکنولوژی بیشتر موجب بیکاری بیشتری شود. کشورهای در حال توسعه و فقیر باید دقت کنند که اگر در کشورهای پیشرفته افراد با ورود تکنولوژی بیکار می‌شوند و به عبارت دیگر توسعه بدون اشتغال اتفاق می‌افتد این افراد بیکار کسانی هستند که به لحاظ تحصیلات و سرمایه انسانی نسبت به کشورهای در حال توسعه در حد بالتری هستند به طوری که بالاخره می‌توانند خود را از این وضعیت نجات دهند. از منظر دیگر می‌توان گفت که این وضعیت برای کشورهای توسعه یافته نیز بسیار مشکل‌زا شده است و آن‌ها به دنبال حل این مسئله می‌گردند که ممکن است یکی از این راه‌حل‌ها محدود کردن تجارت خود برای ایجاد فرصت شغلی برای بیکارانشان باشد. همان‌طور که سالواتوره می‌گوید باز شدن بازار کشورهای توسعه یافته به روی صادرات کشورهای در حال توسعه بستگی زیادی به حل مشکلات مربوط به بیکاری در کشورهای توسعه یافته دارد.^{۳۲} با این وصف باید دید ورود تکنولوژی به کشورهای فقیر چه وضعیتی را در پی دارد؟ این ورود ممکن است باعث شود افرادی که قبلاً فقیر بودند در ضمن این که از تحصیلات و سرمایه انسانی بالایی هم برخوردار نیستند، بیکار شوند و این افراد اگر نگوئیم محال است اما باید بگوئیم به سختی می‌توانند خود را با وضعیت جدید تطبیق

دهند. با این چشم‌انداز کلی در مورد اثر آزادسازی بر فقر به بحث در مورد کشور ایران بر اساس مدل وینترز خواهیم پرداخت.

۴- شواهد تجربی در مورد ایران

در مورد ایران ابتدا باید نشان دهیم که از سال‌های بعد از انقلاب تاکنون آیا اتخاذ سیاست آزادسازی تجاری در دستور کار مدیران اقتصادی ایران قرار گرفته است یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت باشد آن‌گاه باید تغییر و تحولات صورت گرفته در بخش اشتغال و دستمزد، درآمد دولت و هم‌چنین مکانیزم انتقال قیمت کالا از مرزهای کشور به مصرف‌کننده نهایی مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱- تغییرات نرخ تعرفه و موانع غیرتعرفه‌ای در ایران

یکی از بارزترین شاخص‌ها در این زمینه چگونگی تغییرات نرخ تعرفه و شبه تعرفه^{۳۳} و هم‌چنین تغییرات موانع غیرتعرفه‌ای است. طی سال‌های بعد از انقلاب عوارض و مالیات‌های متعددی از کالاهای وارداتی اخذ می‌شد که عبارت بودند از:

۱. حقوق گمرکی که میزان آن توسط جدول گمرکی تعیین می‌شد. تغییر تعرفه‌ها به عهده مجلس شورای اسلامی بود و بین صفر تا صد درصد تغییر می‌کرد. دریافتی دولت از بابت این تعرفه‌ها بر مبنای نرخ ارز ۷۰ ریال برای هر دلار نسبت به ارزش سیف^{۳۴} کالاهای وارداتی بود. نرخ‌های حقوق گمرکی ۹۵ درصد از کالاهایی که در جدول تعرفه گمرکی بودند بین صفر تا پنجاه درصد بود.^{۳۵}

۲. سود بازرگانی که طبق قانون مقررات صادرات و واردات مذکور از صفر تا پانصد درصد تغییر می‌کرد و شامل ۶۷ می‌شد. حدود ۶۰ درصد از اقلام وارداتی پیوست قانون مقررات صادرات و واردات دارای نرخ سود بازرگانی بین صفر تا پنجاه درصد بودند و ۴۰ درصد از اقلام وارداتی نیز سود بازرگانی بیش از صد درصد داشتند.

۳. حق ثبت سفارش که توسط بانک مرکزی دریافت می‌شد و مقدار آن به صورت درصدی از پیش فاکتور نسبت به قیمت کالا محاسبه می‌شد. در بدو تصویب مقدار آن ۴ درصد ارزش کالا به اضافه هزینه حمل و نقل از مبداء تا مقصد بود و بعد مقدار آن به ۲ درصد کاهش یافت.

۴. مابه‌التفاوت دریافتی توسط سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در

مورد کالاهایی اعمال می‌شد که تولید داخلی آن‌ها جوابگوی تقاضای داخلی نبود. لذا میزان تفاوت قیمتی کالاها از کالای وارداتی اخذ می‌شد تا قدرت رقابتی کالای داخلی از بین نرود.

۵. عوارض گمرکی شامل مالیات‌هایی بود که به واردات تعلق می‌گرفت و وصول آن‌ها به عهده گمرک بود و شامل عوارض شهرداری، عوارض هلال احمر، عوارض بندری، عوارض آسفالت، عوارض بهداری و عوارض هوایی بود و میزان آن بین ۰/۵ تا ۲ درصد ارزش ریالی حقوق گمرکی و سود بازرگانی بود.

از سال ۱۳۶۸ که دولت سازندگی بر سر کار آمد با اجرای برنامه تعدیل ساختاری به نحوی سعی در ایجاد آزادسازی‌های وسیع در زمینه تجارت کرد. به طوری که از این سال به بعد نرخ تعرفه‌ها و شبه تعرفه‌ها کاهش یافت. این روند کاهشی تا سال ۱۳۷۶ ادامه یافت. اما در این سال به دلیل کاهش قیمت نفت و کمبود ارز، دولت مجبور به برقراری موانع جدید بر سر راه تجارت شد تا از خروج ارز جلوگیری به عمل آید. این روند در سال ۱۳۸۰ به اوج خود رسید به طوری که در این سال شاهد نرخ‌های تعرفه‌ای ۵۲۰ درصد نیز بودیم. جدول ۳ تغییر و تحولات میانگین نرخ تعرفه طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ نشان داده شده است.

از اقدامات دیگری که در زمینه کاهش تعرفه‌ها و شبه تعرفه‌ها صورت گرفت می‌توان به حذف کامل شبه تعرفه‌ها اشاره کرد. تا قبل از سال ۱۳۸۲ نزدیک به بیست و چهار نوع مالیات و عوارض مختلف نظیر عوارض شهرداری، حق ثبت سفارش، عوارض بهداری، عوارض صدا و سیما و غیره از کالاهای وارداتی اخذ می‌شد.

جدول ۳. تغییرات میانگین نرخ تعرفه در کل بخش‌ها و به تفکیک بخش‌های کشاورزی و صنعت طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ به درصد

سال	میانگین ساده نرخ تعرفه در بخش کشاورزی (درصد)	میانگین ساده نرخ تعرفه در بخش صنعت (درصد)	میانگین کل (درصد)
۱۳۷۶	۶۸۳	۶۸۴	۳۹/۸۳
۱۳۸۰	۸۸۹	۹۲۳	۹۶/۸
۱۳۸۱	۲۴۹	۲۷	۲۶/۹
۱۳۸۲	۲۲۱	۲۰/۶	۲۰/۸
۱۳۸۳	۳/۶	۲۱۲۷	۲۲/۴
۱۳۸۴	۴۰/۵	۴۱/۸	۴۴/۹
۱۳۸۵	۲۸	۳۶/۹	۲۶/۵

ارزش مجموع این عوارض حدود چهار درصد ارزش کالاهای وارداتی می شد ولی تعدد این نوع عوارض و دیوانسالاری ناشی از آن باعث پیچیدگی رژیم تجاری کشور شده بود. در سال ۱۳۸۱ قانون تجمیع عوارض توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد و از ابتدای سال ۱۳۸۲ به اجرا درآمد و طبق آن تمام شبه تعرفه ها حذف و در عوض چهار درصد به عنوان حداقل حقوق ورودی تعیین شد.

هم چنین طبقات تعرفه ای و درجه پراکندگی نرخ های تعرفه کاهش یافت. به عنوان شاخصی از این پراکندگی می توان به فاصله بین کمترین و بیشترین نرخ تعرفه و تغییرات آن طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ اشاره کرد. این روند در جدول ۴ ارائه شده است. هم چنین می توان در جدول ۵ سهم نرخ های مختلف تعرفه را در میان نرخ های موجود در سال های مختلف مشاهده کرد.

با توجه مباحثی که در این بخش مرور شد می توان گفت نرخ تعرفه ها و شبه تعرفه ها از سال ۱۳۶۸ به بعد روندی نزولی داشته است.

در بخش موانع غیرتعرفه ای نیز طی سال های بعد از انقلاب تحولاتی صورت گرفت. بخشی از موانع غیرتعرفه ای، جزء موانع فنی هستند مثل قانون حفظ نباتات و قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. این قوانین به دلیل حفظ سلامت و امنیت جامعه وضع می شوند. این گونه قوانین حتی در سطح بین المللی هم وجود دارند مثل کنوانسیون بازل و پروتکل مونترال. آن چه در باب تغییرات موانع غیرتعرفه ای در جهت بهبود روابط تجاری بحث می شود

جدول ۴. کمینه، بیشینه و میانگین نرخ های تعرفه و سهم آن ها از کل ردیف های تعرفه طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵

سال	حداقل نرخ (تعرفه (درصد))	سهم کمینه های تعرفه از کل ردیف های تعرفه (درصد)	میانگین نرخ (تعرفه (درصد))	سهم بیشینه های تعرفه از کل ردیف های تعرفه (درصد)	حداکثر نرخ (تعرفه (درصد))
۱۳۷۶	۰	۰	۹۵	-	۳۹۸
۱۳۸۰	۰	۱/۳	۵۳۰	۲۸/۳	۹۱۸
۱۳۸۱	۱	۳۹	۱۴۴	۷	۲۶۱۹
۱۳۸۲	۲	۱۳/۳	۱۵۰	۱۵/۳	۳۰۸
۱۳۸۳	۲	۳۳/۱	۱۸۵	۰/۱	۳۲/۷
۱۳۸۴	۲	۳۳	۱۵۰	۰/۱	۳۲/۹
۱۳۸۵	۴	۳۳/۸	۲۰۰	۱	۳۶۱۵

جدول ۵. چگونگی الگوی توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵

سال	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	توزیع نرخ‌های تعرفه در طبقات اصلی تعرفه‌ای (درصد)	
۱۳۷۶	۰	۷۲	۵۸۸	۳۹/۱	۳۳/۶	۲۸/۷	۳۰/۷	-	۱۳۷۶	
۱۳۷۷	۲۸/۳	۷۷/۷	۵۱/۷	-	۳۴/۷	۳۱/۷	۲۶/۷	-	۱۳۷۷	
۱۳۷۸	۹	۸۲/۸	۷۴	۶۵/۳	۵۹/۳	۴۱/۶	۲۶	۱	۱۳۷۸	
۱۳۷۹	۵۵/۳	۹۹/۳۷	۸۸/۹	۶۹/۱	۵۸/۳	۵۱/۳	۳۳/۸	۱۳/۳	۲	۱۳۷۹
۱۳۸۰	۱۱	۹۹/۹	۹۵/۳	۷۷/۱	۶۵	۵۲/۸	۶۹/۹	۳۳/۱	۳	۱۳۸۰
۱۳۸۱	۱۱	۹۹/۹	۹۰	۷۲	۶۰	۵۲	۶۳	۲۲	۳	۱۳۸۱
۱۳۸۵	۱	۹۹	۸۲/۷	۷۱	۶۰	۵۱/۶	۳۳/۵	۳۲/۸	۳	۱۳۸۵

منبع: زاهد گلران (۱۳۸۵)، ص ۶۲

اغلب مربوط به موانع غیر فنی است.

در سال‌های پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۷ کالاهای وارداتی به چهار گروه کالاهای مجاز، کالاهای مشروط، کالاهای غیر مجاز و کالاهای ممنوع تقسیم شدند. به جز اندکی از کالاها که به لحاظ امنیتی و شرعی ممنوع بودند بقیه کالاها در سه گروه دیگر جای گرفتند. تا قبل از سال ۱۳۶۸ از کل تعداد کالاهای وارداتی حدود ۳۲/۲۵ درصد غیر مجاز و ۶۳/۰۴ درصد مجاز مشروط و تنها ورود ۴/۹۶ درصد کالاها مجاز بود. ۳۶ ملاحظه می‌شود کالاهای غیر مجاز و مجاز مشروط بیشترین سهم را در کالاهای وارداتی داشتند. این مطلب را می‌توان به تفکیک برای بخش‌های مختلف در جدول ۶ دید.

در سال ۱۳۶۷ با پایان یافتن جنگ و تدوین نخستین برنامه توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران آزادسازی تجاری به عنوان یکی از سیاست‌های محوری دولت در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری مطرح شد. طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ گام‌هایی در جهت کاهش محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای برداشته شد. از اواخر سال ۱۳۶۹ و طی سال‌های بعد از آن می‌توان تعداد زیادی از تصویب‌نامه‌ها و اصلاحیه‌ها را دید که بیانگر جهت‌گیری به سمت آزادسازی واردات از سوی نظام اجرایی کشور بود. ۳۷ بعد از سال ۱۳۷۲ عنوان کالاهای غیرمجاز از بین رفت و طبق قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۷۵ کالاها به سه دسته تقسیم شدند. کالاهای مجاز که صدور یا ورود آن‌ها به کسب مجوز نیاز نداشت و کالاهای مشروط که صدور یا ورود آن‌ها با کسب مجوز امکان‌پذیر است و



جدول ۶. تفکیک کالاها در بخش‌های مختلف به کالاهای غیر مجاز و مجاز

مشروط طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۸

بخش	غیر مجاز	مجاز مشروط
کالاهای کشاورزی	۵۵/۹۶	۳/۱
کالاهای معدنی	۸۱۳۲	۶۷/۱۹
تولیدات کارخانه‌ای	۳۰۹۷	۶۳/۹۹

منبع: رژی، (۱۳۷۸)، ص ۱۲۴

کالاهای ممنوع که بر مبنای شرع مقدس اسلام یا به موجب قانون ممنوع است. به طور کلی می‌توان گفت که اقدامات انجام شده در زمینه موانع غیر تعرفه‌ای تا سال ۱۳۷۸ به شرح زیر است:

الف- از میان ۵۱۱۶ ردیف تعرفه‌ای حدود ۹۵/۱۹ درصد مشروط، حدود ۳/۴۸ درصد ممنوع و حدود ۰/۱۶ درصد مجاز بود. هم چنین ۱/۱۷ درصد از کالاها نیز از قوانین خاص پیروی می‌کردند.

ب- کالاهایی که ورودشان ممنوع است معمولاً دارای نرخ‌های تعرفه بالایی نیز می‌باشند.

بعد از سال ۱۳۷۸ نیز روند کاهش و حذف موانع غیر تعرفه‌ای ادامه یافت که می‌توان به دو مورد از این تغییرات اشاره کرد. اولین مورد مربوط به حذف شرط عدم ساخت کالا در داخل کشور و سایر شرایط ورود می‌شود. طبق این شرط واردکننده کالا ملزم بود برای ورود کالا به وزارت کشاورزی یا صنایع و معادن مراجعه کرده و گواهی عدم ساخت کالا در داخل یا عدم کفایت تولید داخلی برای مصرف مورد نیاز جامعه را ارائه کند و سپس به ثبت سفارش واردات کالا پردازد. هم چنین فارغ از ساخت یا عدم ساخت کالا در داخل طبق قانون مقررات صادرات و واردات در هر سال واردکننده می‌بایست برای برخی کالاها از وزارت خانه‌ها یا دستگاه‌های دولتی ذی ربط مجوز دریافت می‌کرد. در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه کشور دولت موظف شد تا موانع غیرتعرفه‌ای را کاهش دهد. لذا شرط عدم ساخت کالا در داخل حذف و از ابتدای سال ۱۳۸۲ سایر شرایط ورود کالا از کتاب قانون مقررات صادرات و واردات حذف شد و واردات کالا صرفاً به ثبت سفارش نزد وزارت بازرگانی محدود شد.

دومین مورد مربوط به حذف ممنوعیت‌های خاص برای ورود برخی کالاها است. مجلس شورای اسلامی به دولت اختیار داده است تا در موارد خاصی ممنوعیت‌های قانونی برای صدور یا ورود کالا وضع کند. این ممنوعیت‌ها جدا از ممنوعیت‌های شرعی برای کالاها بود و منطق وجود آن نیز به ملاحظات امنیتی، اخلاقی و فرهنگی جامعه بر می‌گردد. اما دولت طی سال‌های مختلف از این ابزار به جهت تأمین اهداف حمایتی استفاده کرده است.

این مسئله را می‌توان در سهم کالاهای ممنوع‌الورود مشاهده کرد. در حالیکه سهم کالاهای ممنوع به لحاظ شرعی به یک درصد هم نمی‌رسد سهم این گونه کالاها که به موجب قانون ممنوع می‌شد در برخی سال‌ها بسیار بالا بود. این روند را می‌توان در جدول ۷ مشاهده کرد.

جدول ۷. تعداد و سهم اقلام ممنوع‌الورود از کل ردیف‌های تعرفه طی سال‌های اخیر طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵

سال	تعداد کل ردیف‌های تعرفه	تعداد ردیف‌های تعرفه ممنوع‌الورود	تعداد اقلام ممنوع از کل ردیف‌های تعرفه ممنوع‌الورود
۱۳۷۶	۵۰۶۵	۹۵۰	۱۹
۱۳۸۰	۵۱۱۲	۱۸۷	۳۸
۱۳۸۱	۵۱۱۳	۲۷	۱۳
۱۳۸۲	۵۳۵۳	۶۳	۱۵
۱۳۸۳	۵۷۷۰	۷۱	۱
۱۳۸۴	۶۹۰۵	۸۲	۱۲
۱۳۸۵	۳۳۲۴	۲۴	۱

منبع: مقاله زاهد علیان ص ۷۱

در زمینه موانع غیرتعرفه‌ای نیز به طور کلی می‌توان گفت طی سال‌های بعد از انقلاب شاهد کاهش و حذف این‌گونه موانع بوده‌ایم که به تبع آن باید روند مبادلات تجاری ایران بهبود یابد. اما آن چه از آمار و ارقام مربوط به صادرات و واردات کالاها و خدمات برمیآید این است که تغییر محسوسی در این زمینه اتفاق نیفتاده است. از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۰ محصولات لبنی و مواد نساجی و مصنوعات آن بیشترین سهم را در کالاهای صادراتی داشته است. از سال ۱۳۷۵ به بعد کالاهای محصولات لبنی، محصولات معدنی، محصولات صنایع شیمیایی و وابسته به آن، مواد نساجی و مصنوعات آن و فلزات معمولی و مصنوعات آن قسمت اعظم صادرات غیر نفتی ایران را به خود اختصاص داده است. طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۴ بیشترین اقلام وارداتی به کشور ما را محصولات صنایع

شیمیایی یا صنایع وابسته به آن، فلزات معمولی و مصنوعات آن، ماشین آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی و دستگاه‌های ضبط و پخش و وسایل نقلیه زمینی و هوایی و تجهیزات ترابری تشکیل می‌دهد. البته سهم قسمت مواد نساجی و مصنوعات آن و وسایل نقلیه زمینی و هوایی و تجهیزات ترابری طی سال‌های بعد به تدریج کمتر شد و سهم محصولات معدنی به تدریج افزایش یافت. واردات ایران طی این سال‌ها اغلب مربوط به کالاهای صنعتی بوده و هم چنین بیشتر شامل کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌شود. آن‌چه از این بخش نتیجه می‌شود این است که با وجود تغییرات عمده در نظام تجاری ایران الگوی تجاری ایران چه در بخش صادرات و چه در بخش واردات از ثبات خاصی برخوردار بوده است. نشان دادیم که بخش عمده و مسلط در صادرات و واردات کالاها در ایران، بخش‌های مشخصی است که کاملاً با وضعیت یک کشور صادرکننده کالاهای اولیه و خام و واردکننده محصولات صنعتی هم‌خوانی دارد. شاید این مسئله تا حدی نشان دهنده این مطلب باشد که سیاست‌گذاری و یافتن راه حل برای برخی از مشکلات کشور به همین سادگی نیست که به عنوان مثال ما تجارت خود را بدون فراهم کردن مقدمات لازم آزاد کنیم.

۲-۴- تغییر و تحولات شاخص‌های مهم اقتصادی طبق مدل وینترز به تبع تحولات تجاری در ایران این بخش را در سه زیربخش دنبال می‌کنیم. ابتدا تغییرات در توزیع درآمد و دستمزد در ایران طی سال‌های آزادسازی تجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به درآمدهای دولت و چگونگی تأثیرپذیری آن از سیاست‌های تجاری می‌پردازیم و در پایان نیز به بحث در مورد سیستم توزیع کالا در ایران می‌پردازیم.

الف - تأثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال و دستمزد در ایران

با استفاده از شاخص ضریب جینی به بررسی توزیع درآمد در کل کشور و هم‌چنین در مناطق شهری و روستایی می‌پردازیم. ضریب جینی^{۳۸} یکی از شاخص‌هایی است که چگونگی توزیع درآمد بین افراد جامعه را نشان می‌دهد. هرچه این شاخص به عدد یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده توزیع بسیار نابرابر و ناعادلانه درآمد است و هر چه این شاخص به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده توزیع عادلانه درآمد است. این تعاریف به لحاظ نظری است اما در عمل هرگاه این شاخص به مرز ۰/۵ برسد نشان‌دهنده وضعیت

بحرانی است. روند تغییرات ضریب جینی طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳ در جدول ۷ مشخص است.

در این جدول ضریب جینی بر مبنای دو شاخص دریافتی سرانه^{۳۹} و درآمد سرانه^{۴۰} ارائه شده است. دریافتی‌های سرانه شامل دستمزد و درآمد حاصل از خویش‌فرمایی^{۴۱} و مقرری ماهیانه^{۴۲} می‌شود. درآمد سرانه شامل پرداخت‌های انتقالی نقدی و غیرنقدی نیز می‌شود. از جدول ۷ مشاهده می‌شود که مقدار ضریب جینی نابرابری درآمد سرانه هیچ‌گاه از ۰/۴۱ کمتر نبوده است. هم‌چنین مقدار ضریب جینی نابرابری دریافتی‌های سرانه نیز هیچ‌گاه از ۰/۴۵ کمتر نبوده است.

جدول ۷. ضریب جینی نابرابری درآمد سرانه و دریافتی‌های سرانه در ایران طی

سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳

سال	ضریب جینی نابرابری درآمد سرانه		ضریب جینی نابرابری دریافتی‌های سرانه	
	ایران	شهری	ایران	شهری
۱۳۶۳	۰/۴۵۱	۰/۴۱۴	۰/۵۲۹	۰/۴۵۳
۱۳۶۴	۰/۴۷۹	۰/۴۵۳	۰/۵۴۴	۰/۴۸۵
۱۳۶۵	۰/۴۶۲	۰/۴۲۱	۰/۵۱۱	۰/۴۵
۱۳۶۶	۰/۴۸۹	۰/۴۸۸	۰/۵۲۳	۰/۴۷۶
۱۳۶۷	۰/۴۳۱	۰/۴۲۳	۰/۴۹۷	۰/۴۵۳
۱۳۶۸	۰/۴۵۳	۰/۴۵۸	۰/۵۲۷	۰/۵۰۳
۱۳۶۹	۰/۴۸۳	۰/۴۶۵	۰/۵۲۸	۰/۴۹۹
۱۳۷۰	۰/۵۰۴	۰/۴۹۶	۰/۵۵۲	۰/۵۳۹
۱۳۷۱	۰/۵۰۳	۰/۴۹۴	۰/۵۴۶	۰/۵۳
۱۳۷۲	۰/۴۷۷	۰/۴۴۶	۰/۵۲۵	۰/۵۰۳
۱۳۷۳	۰/۴۷۶	۰/۴۶۹	۰/۵۲۴	۰/۵۱۶
۱۳۷۴	۰/۴۵۷	۰/۴۴۳	۰/۵۰۶	۰/۴۸۹
۱۳۷۵	۰/۴۶۵	۰/۴۵۷	۰/۵۱۲	۰/۵۰۶
۱۳۷۶	۰/۴۴۵	۰/۴۲۹	۰/۴۹۴	۰/۴۷۳
۱۳۷۷	۰/۴۴۷	۰/۴۱۳	۰/۴۹۸	۰/۴۸۲
۱۳۷۸	۰/۴۸۵	۰/۴۴۶	۰/۵۴۱	۰/۵۳۵
۱۳۷۹	۰/۴۶۵	۰/۴۳۵	۰/۵۲۹	۰/۵۱۱
۱۳۸۰	۰/۴۴۶	۰/۴۱۸	۰/۵۰۳	۰/۴۸۶
۱۳۸۱	۰/۴۵۶	۰/۴۲۹	۰/۵۱۳	۰/۵۰۱
۱۳۸۲	۰/۴۴۴	۰/۴۱۶	۰/۴۸۵	۰/۴۷۲
۱۳۸۳	۰/۴۴۳	۰/۴۲۹	۰/۵۱۱	۰/۵۰۶

منبع: استثنائی (۲۰۰۶)، ص ۵۱

این مقادیر نشان می‌دهد که وضعیت کشور به لحاظ توزیع درآمد در آستانه بحرانی است. هم‌چنین می‌توان چگونگی توزیع درآمد بین مناطق روستایی و شهری را نیز ملاحظه کرد. این جدول نشان می‌دهد که میزان نابرابری در توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی تقریباً یکسان است.

از سال ۱۳۶۸ به بعد سیاست‌های آزادسازی تجاری در دستور کار قرار گرفت و به جز در برخی از سال‌ها مثل سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ همواره موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در حال کاهش بوده است. اما این تغییرات سیاستی اثر مشخصی بر توزیع درآمد در ایران و هم‌چنین به تفکیک در مناطق شهری یا روستایی نداشته است. یکی از دلایل این مطلب چگونگی تأثیرپذیری ترکیب کالایی صادرات و واردات کشور از تغییرات سیاست‌های تجاری است. قبلاً نشان دادیم این الگو از ثبات خاصی برخوردار است. در نتیجه بی دلیل نیست که آثار آن بر توزیع درآمد به این صورت باشد. این مطلب نشان می‌دهد کسانی که قبل از این سال‌ها فقیر بودند هم‌چنان در فقر باقی ماندند و یا اگر اوضاع آنان بهبود یافته است اما کسانی بوده‌اند که وضع‌شان بدتر شده است.

به هر حال وضعیت کشور از نظر توزیع درآمد بهبود نیافته است. ممکن است گفته شود تغییرات ضریب جینی تنها متأثر از سیاست‌های تجاری نیست و ثبات در ساختار توزیع درآمد منشأ و عوامل دیگری نیز دارد. این مطلب کاملاً درست است و اهمیت اتخاذ سیاست‌های مختلف به ویژه سیاست‌های تجاری نیز همین جا است. یعنی حتی در صورتی که این سیاست‌ها به تنهایی آثار مفیدی داشته باشد باید دید این سیاست‌ها در چه ساختاری اجرا می‌شود. اگر آن ساختار زمینه مناسبی برای اجرای این سیاست‌ها نباشد آنگاه اتخاذ این سیاست‌ها می‌تواند شرایط را بدتر کند. حداقل نکته‌ای که از مشاهده این روند استنباط می‌شود این است که سیاست‌های تجاری به تنهایی نتوانسته است بر ساختار توزیع درآمد در ایران اثری داشته باشد.

برای درک بهتر توزیع نابرابر درآمد در ایران مفید است که منبع درآمدی خانوارهای شهری و روستایی را بررسی کنیم. جدول ۸ نشان‌دهنده متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی بر حسب منبع درآمد است.

خانوارهای روستایی علاوه بر درآمد حاصل از حقوق و دستمزد از درآمد حاصل از کشاورزی نیز بهره‌مند می‌شوند زیرا خانوارهای روستایی به طور معمول تولید کشاورزی نیز دارند و در نتیجه از سود حاصل از این بخش نیز می‌توانند استفاده کنند. نکات مهمی

جدول ۸. نسبت هر یک از اجزاء درآمد خانوار روستایی به کل درآمد (درصد)

سال	درآمد مسلط خانوار روستایی			درآمد بهره‌ده و اجاره
	درآمد حقوق و دستمزد	درآمد حاصل از سود کشاورزی	جمع	
۱۳۵۶	۰/۲۳	۰/۳۸	۰/۷۰	۰/۱۸
۱۳۵۷	۰/۲۱	۰/۳۲	۰/۷۴	۰/۱۴
۱۳۵۸	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۶۷	۰/۱۶
*۱۳۵۹				
*۱۳۶۰				
۱۳۶۱	۰/۲۸	۰/۴۱	۰/۷۰	۰/۱۷
۱۳۶۲	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۶۵	۰/۱۹
۱۳۶۳	۰/۳۰	۰/۳۷	۰/۶۷	۰/۱۹
۱۳۶۴	۰/۳۰	۰/۳۷	۰/۶۷	۰/۱۹
۱۳۶۵	۰/۲۸	۰/۴۳	۰/۷۰	۰/۱۸
۱۳۶۶	۰/۲۹	۰/۳۹	۰/۶۸	۰/۱۹
۱۳۶۷	۰/۲۴	۰/۴۳	۰/۶۶	۰/۱۸
۱۳۶۸	۰/۲۴	۰/۴۴	۰/۶۸	۰/۱۹
۱۳۶۹	۰/۲۵	۰/۴۰	۰/۶۵	۰/۱۹
۱۳۷۰	۰/۲۴	۰/۳۷	۰/۶۳	۰/۲۰
۱۳۷۱	۰/۲۷	۰/۳۷	۰/۶۴	۰/۱۸
۱۳۷۲	۰/۲۵	۰/۴۲	۰/۶۷	۰/۱۸
۱۳۷۳	۰/۲۴	۰/۳۷	۰/۶۳	۰/۱۷
۱۳۷۴	۰/۲۴	۰/۴۱	۰/۶۵	۰/۱۹
۱۳۷۵	۰/۲۷	۰/۳۸	۰/۶۵	۰/۱۸
۱۳۷۶	۰/۲۸	۰/۳۷	۰/۶۴	۰/۱۸
۱۳۷۷	۰/۲۸	۰/۳۷	۰/۶۵	۰/۱۷
۱۳۷۸	۰/۲۸	۰/۳۵	۰/۶۳	۰/۲۰
۱۳۷۹	۰/۳۰	۰/۳۳	۰/۶۳	۰/۲۱
۱۳۸۰	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۶۰	۰/۲۳
۱۳۸۱	۰/۲۹	۰/۳۳	۰/۶۱	۰/۲۳
۱۳۸۲	۰/۲۹	۰/۳۳	۰/۶۳	۰/۲۱
۱۳۸۳	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۶۵	۰/۱۶
۱۳۸۴	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۵۹	۰/۲۴
۱۳۸۵	۰/۳۰	۰/۳۸	۰/۵۸	۰/۲۴

که از جدول ۸ به دست می‌آید عبارت است از:

الف - میزان سهم حقوق و دستمزد و سود کشاورزی از ۰/۷۱ در سال ۱۳۵۶ به ۰/۵۸ در سال ۱۳۸۵ رسیده است. یعنی این مقدار طی سال‌های فوق روند کاهشی داشته است. هم‌چنین طی سال‌های ۱۳۶۸ به بعد که سیاست‌های آزادسازی تجاری اتخاذ شد سهم حقوق و دستمزد و سود حاصل از کشاورزی از ۰/۶۸ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۵۸ در سال ۱۳۸۵ رسیده است. قبلاً بررسی کردیم که الگوی صادرات غیر نفتی ایران بیشتر بر پایه مواد اولیه است. از جدول ۳ نیز مشاهده شد که میانگین نرخ تعرفه در بخش کشاورزی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۵ حدود ۱۰ درصد کاهش یافت. طبق تئوری‌های اقتصادی باید تولید این گونه محصولات افزایش یابد و سهم عوامل تولید این گونه محصولات از درآمد کل بهبود یابد. در مورد ایران این انتظار تئوریک تحقق نیافت.

ب - میزان سهم بهره و اجاره از درآمد خانوارهای روستایی طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۸ از ۰/۱۸ به ۰/۱۹ رسیده است. اما طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵ که مقارن با سال‌های آزادسازی است این مقدار از ۰/۱۹ به ۰/۲۶ افزایش یافته است. این مطلب را می‌توان با افزایش اشتغال جمعیت در بخش خدمات و کاهش اشتغال در بخش کشاورزی نیز توضیح داد. وقتی سرپرست خانوار روستایی به شهر مهاجرت کرده و شغل خود را از کشاورزی به شغل دیگری تغییر می‌دهد که معمولاً جزء بخش خدمات است زمین خود را در روستا اجاره می‌دهد و از درآمد حاصل از اجاره زمین نیز بهره می‌برد.

ج - جدول ۸ نشان‌دهنده متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی نمونه است. دقت در ارقام حاصل از جداول بالا در کنار ارقام حاصل از جدول ۷ مشخص می‌کند که میزان درآمد خانوارهای روستایی بسیار متغیر است. درآمد حاصل از سود فعالیت‌های کشاورزی و درآمد حاصل از اجاره را تنها روستائینی خواهند داشت که زمین دارند. درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرکشاورزی و درآمد حاصل از بهره را نیز تنها روستائینی خواهند داشت که از سرمایه لازم برخوردار باشند. در نتیجه اگر بتوان مطالعه درآمد خانوار روستایی را به طور جزئی‌تر مورد بررسی قرار داد حقایق بیشتری نمایان خواهد شد.

اکنون به بررسی اجزای درآمدی یک خانوار شهری نمونه می‌پردازیم. جدول ۹ نشان‌دهنده اجزای درآمد و سهم این اجزاء از درآمد کل است.

نکات مهمی که از جدول ۹ به دست می‌آید عبارت است از:

الف - سهم حقوق و دستمزد از درآمد کل تا سال ۱۳۶۸ از سهم سایر منابع درآمدی

جدول ۹. نسبت هر یک از اجزاء درآمد خانوار شهری به کل درآمد (درصد)

سال	درآمد کشور و مسکن از درآمد کل	سهام سود از درآمد کل			سهم درآمد کشور و مسکن از کل درآمد
		کشاورزی	صنعت	جمع	
۱۳۵۶	۰/۴۴	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۳۱
*۱۳۵۷					
۱۳۵۸	۰/۷۰	۰/۰۲	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۲۴
۱۳۵۹	۰/۴۸	۰/۰۲	۰/۲۲	۰/۲۴	۰/۲۸
*۱۳۶۰					۰/۰۰
۱۳۶۱	۰/۴۳	۰/۰۳	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۳۰
۱۳۶۲	۰/۴۲	۰/۰۳	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۳۱
۱۳۶۳	۰/۴۰	۰/۰۳	۰/۲۵	۰/۲۷	۰/۳۳
۱۳۶۴	۰/۴۲	۰/۰۲	۰/۲۲	۰/۲۴	۰/۳۳
۱۳۶۵	۰/۴۰	۰/۰۳	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۳۳
۱۳۶۶	۰/۳۹	۰/۰۳	۰/۲۶	۰/۲۸	۰/۳۳
۱۳۶۷	۰/۳۷	۰/۰۴	۰/۲۶	۰/۳۰	۰/۳۳
۱۳۶۸	۰/۳۷	۰/۰۴	۰/۲۵	۰/۲۸	۰/۳۵
۱۳۶۹	۰/۳۳	۰/۰۴	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۳۶
۱۳۷۰	۰/۳۹	۰/۰۴	۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۳۵
۱۳۷۱	۰/۳۳	۰/۰۵	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۳۳
۱۳۷۲	۰/۳۴	۰/۰۳	۰/۳۰	۰/۳۳	۰/۳۴
۱۳۷۳	۰/۲۶	۰/۰۳	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۳۵
۱۳۷۴	۰/۳۰	۰/۰۴	۰/۳۰	۰/۳۶	۰/۳۶
۱۳۷۵	۰/۳۱	۰/۰۳	۰/۲۹	۰/۳۲	۰/۳۷
۱۳۷۶	۰/۳۳	۰/۰۴	۰/۲۶	۰/۳۰	۰/۳۷
۱۳۷۷	۰/۳۳	۰/۰۴	۰/۲۶	۰/۳۰	۰/۳۷
۱۳۷۸	۰/۳۳	۰/۰۴	۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۳۹
۱۳۷۹	۰/۳۳	۰/۰۳	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۳۶
۱۳۸۰	۰/۳۴	۰/۰۳	۰/۲۵	۰/۲۸	۰/۳۸
۱۳۸۱	۰/۳۳	۰/۰۳	۰/۲۷	۰/۳۰	۰/۳۸
۱۳۸۲	۰/۳۴	۰/۰۳	۰/۲۴	۰/۲۸	۰/۳۸
۱۳۸۳	۰/۳۴	۰/۰۳	۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۳۷
۱۳۸۴	۰/۳۷	۰/۰۳	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۳۷
۱۳۸۵	۰/۳۵	۰/۰۲	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۳۹

منبع: محاسبه بر مبنای داده‌های مرکز آمار ایران
 *در سال ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰ از بودجه خانوار شهری آمارگیری به عمل نیامد

بیشتر بوده است. اما در سال ۱۳۶۸ به بعد که مقارن با سال‌های آزادسازی تجاری است این سهم کاهش می‌یابد و سهم بهره و اجاره افزایش می‌یابد. به طور کلی می‌توان گفت از سال ۱۳۶۸ به بعد کمتر از ۳۷ درصد از درآمد خانوار شهری حاصل از حقوق و دستمزد است و حدود ۶۳ درصد از درآمد یک خانوار شهری نمونه از سایر منابع درآمدی حاصل می‌شود.

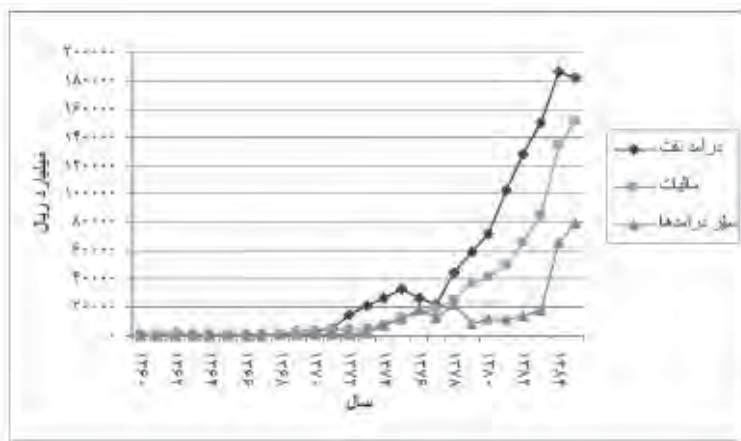
ب- به طور معمول بخش مهمی از درآمد خانوارهای شهری از محل فعالیت نیروی کار و به صورت حقوق و دستمزد حاصل می‌شود. لذا جدول ۹ به خوبی نشان می‌دهد که اگر خانواری برای کسب درآمد تنها نیروی کار برای عرضه داشته باشد آن گاه در شرایط مناسبی نخواهد بود. این فرضیه چندان دور از حقیقت نیست. جدول ۷ نشان می‌دهد که توزیع درآمد میان خانوارهای شهری مناسب نیست و در آستانه مقدار بحرانی قرار دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت تعداد زیادی از خانوارهای شهری به منابع و امکاناتی غیر از نیروی کار خود دسترسی ندارند و در نتیجه از درآمد حاصل از این منابع بهره‌مند نمی‌شوند. آن چه می‌توان از این بخش نتیجه گرفت این است که به لحاظ درآمدی بهبودی میان خانوارهای شهری و روستایی ملاحظه نمی‌شود هر چند که این روند نسبت به قبل از انقلاب بهتر شده است.

ب- درآمد دولت ایران تا چه حد تحت تأثیر سیاست آزادسازی تجاری است؟

منابع درآمدی دولت طی یک سال شامل درآمدهای عمومی و درآمدهای اختصاصی می‌شود که میزان و سهم جزء اول بسیار بیشتر از جزء دوم است. به همین دلیل به بررسی جزء دوم می‌پردازیم. منابع عمومی شامل سه جزء می‌شود که عبارت از درآمدها، واگذاری‌های دارائی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارائی‌های مالی است. در هر کدام از این سه جزء می‌توان ردپائی از درآمدهای نفتی دید.^{۲۳}

آمار و ارقام منتشرشده از سوی منابع رسمی نشان می‌دهد نسبت مالیات به کل درآمدهای دولت طی دوره جنگ هشت ساله ایران به بیشترین مقدار خود می‌رسد و به طور مشخص در سال ۱۳۶۵ به ۶۰/۰۱ درصد می‌رسد. اگر این دوره را از دوره بیست و شش ساله مورد بررسی کنار بگذاریم سهم درآمدهای مالیاتی از درآمد کل دولت هیچ‌گاه به ۴۰ درصد هم نمی‌رسد. به خوبی ملاحظه می‌شود که درآمد دولت بیش از آن که تحت تأثیر درآمدهای مالیاتی باشد تحت تأثیر درآمدهای نفتی است. می‌توان این روند را به لحاظ نموداری نیز مورد بررسی قرار داد.

نمودار ۰۲. روند افزایش اجزا درآمد دولت از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵



طی این سال‌ها سهم مالیات بر واردات از کل درآمدهای مالیاتی به جز شش سال هیچ‌گاه بیشتر از ۳۰ درصد نبوده است. وقتی این نسبت را در درآمدهای کل دولت محاسبه کنیم مقدار آن به مراتب کوچک‌تر می‌شود به طوری که این نسبت هیچ‌گاه به ۱۴ درصد هم نرسیده است و این مطلب نشان می‌دهد که اتکاء درآمدهای دولت به مالیات بر واردات آن قدر کم است که در صورت کم‌تر شدن مقدار مطلق این منبع درآمدی، لطمه جبران ناپذیری به درآمدهای دولت وارد نمی‌شود.

ذکر این نکته لازم است که این نتیجه‌گیری منوط به پایدارماندن درآمدهای نفتی است. در صورتی که شرایطی را فرض کنیم که درآمدهای نفتی در کشور ناچیز باشد یا کشوری بدون درآمدهای نفتی لحاظ کنیم آن‌گاه وضعیت کاملاً فرق خواهد کرد.

ج - نقش نهادهای موثر بر قیمت کالا بعد از ورود آن به کشور

اشاره شد که تئوری‌های تجارت بین‌الملل تنها می‌توانند تغییرات قیمتی کالاها را تا مرز کشورها تجزیه و تحلیل کنند. اما با این پیش‌فرض که سیستم توزیع در داخل کشور به صورت کارآ عمل می‌کند نتیجه می‌گیرند که کالاها به قیمت کمتری به دست مصرف‌کننده می‌رسد. لذا مصرف‌کنندگان می‌توانند کالاها را ارزان‌تر خریداری کنند. از طرف دیگر، تولیدکنندگان داخلی کالاهای مشابه نیز خود را در رقابت با کالاهای خارجی می‌بینند. این وضعیت باعث می‌شود تا بنگاه‌ها در جهت ارتقای کارآئی و بهره‌وری فعالیت کنند و بنگاه‌های ضعیف نیز از بین می‌روند. این روند نیز در نهایت به بهبود بهره‌وری در تولید

داخلی منتج می‌شود. اما این نتیجه‌گیری به شدت بستگی به واقعی بودن پیش فرض‌های اولیه دارد. اگر سیستم توزیع در داخل کشور به طور کارآ عمل نکند هیچ ضرورتی ندارد که کالاهای وارداتی با قیمت ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده برسد. از سوی دیگر، وقتی قیمت کالاهای وارداتی کم نشود تولیدکنندگان داخلی نیز خود را در رقابت با کالاهای وارداتی نمی‌بینند تا در جهت ارتقاء بهره‌وری و کارآئی تلاش کنند. در نتیجه کشور نمی‌تواند از منافع پیش‌بینی شده توسط نظریه‌ها بهره‌مند شود. در این بخش به بررسی وضعیت سیستم توزیع کشور می‌پردازیم.

کالاهای وارداتی از مبادی ورودی کشور تا مصرف‌کننده، مسیری را طی می‌کنند که شامل مجموعه‌ای از نهادها و سازمان‌ها است و در اصطلاح اقتصادی آن را کانال توزیع می‌نامند. کانال توزیع واژه‌ای است که معطوف به نهادهای مختلف بازاریابی و مسئول روابط داخلی جریان فیزیکی کالاها و خدمات از تولیدکننده به مصرف‌کننده است. کانال توزیع مسیری است که طی آن محصول و حقوق مالکیت آن از تولید به مصرف‌جریان می‌یابد.^{۴۴} چگونگی قرار گرفتن نهادها در این قسمت و چگونگی نظارت و عملکرد دولت در این بخش تأثیر بسیار زیادی روی قیمت کالاها می‌گذارد. به همین دلیل حتی با فرض این که کالاها را با قیمت کمتری بتوان وارد کرد هیچ تضمینی وجود ندارد که کالاها با قیمت مناسب به دست مصرف‌کننده برسد. تجارت حلقه اتصال میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است.

در یک اقتصاد باز که تبادل کالا میان کشورها صورت می‌گیرد تجارت داخلی ضمن عرضه تولیدات ملی، کالاهای وارداتی را نیز در دسترس مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد. توزیع عبارت است از رساندن کالا بدون تغییر شکل از محل عرضه به نقطه مصرف نهایی یا واسطه‌ای که مستلزم طی مراحل انبارداری، سفارش، کنترل موجودی کالاهای نهایی و حمل و نقل می‌گردد و تحت دو عنوان کلی خرده‌فروشی و عمده‌فروشی کالا در مورد آن بحث می‌شود.

لذا زنجیره‌ای از انواع خدمات با ترتیبات خاصی کنار هم قرار می‌گیرند تا کالایی مشخص از محل تولید به محل مصرف منتقل شود. در نتیجه توزیع از حیث تقسیم‌بندی اقتصادی جزء خدمات که یکی از سه فعالیت عمده اقتصادی است محسوب می‌شود. بخش توزیع در ایران یکی از بخش‌های مهمی است که همواره نقش زیادی در خلق ارزش افزوده در ایران داشته است در نتیجه اقبال فعالان اقتصادی به این بخش نیز قابل

جدول ۱۰- نسبت خرده‌فروشان به عمده‌فروشان در کل کشور و به تفکیک مناطق شهری و

روستایی

۱۳۸۱*	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	
۱۴۳	۲۷/۶	۲۷/۶	۴۶/۸	۱۷/۵	نسبت خرده‌فروشی به عمده‌فروشی
۱۳/۴	۳۳	۶۵	۳۳/۶	۱۴/۶	نسبت خرده‌فروشی به عمده‌فروشی شهری
۲۱/۷	۵۷/۲	۴۴/۶	۵۶/۴	۲۳	نسبت خرده‌فروشی به عمده‌فروشی روستایی

منبع: شاکری (۱۳۷۸)، ص ۲۳۲

* داده‌های سال ۱۳۸۱ مربوط به سالنامه آماری است

توجه است به طوری که بیش از ۵۰ درصد از شاغلین کشور در سال ۱۳۸۵ در بخش خدمات مشغول فعالیت بودند. آمارها نشان می‌دهد از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵ به جز در چند سال، زیربخش خدمات توزیعی در میان تمام زیربخش‌های دیگر اقتصاد از سهم بالاتری در خلق ارزش افزوده برخوردار بوده است.^{۴۵} اما این که آیا این بخش در حقیقت و به طور واقعی شایسته دریافت چنین پاداش اقتصادی است چندان نمی‌توان مطمئن بود. وضعیت سیستم توزیع و چگونگی تأثیرگذاری آن بر قیمت کالاها را می‌توان با استفاده از نسبت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی بررسی کرد.

در سال ۱۳۷۵ نسبت خرده‌فروشی به عمده‌فروشی در کشورهای آمریکا، آلمان و انگلستان به ترتیب ۸/۳ و ۶/۶ و ۶/۲ بوده است. این اعداد به خوبی نشان می‌دهد که تعداد خرده‌فروشی در کشور ما بیش از حد تناسب است. البته تعداد زیاد خرده‌فروشان ممکن است با توجه به ساختارهای مختلف اقتصادی، متفاوت باشد. این مطلب را محمدرضا فرزین در تحقیق خود در مورد کشور ژاپن به خوبی نشان می‌دهد. در ژاپن به دلیل کمبود فضا و زمین امکان وجود فروشگاه‌های گسترده وجود ندارد. هم‌چنین خانوارها به دلیل فضای کم برای زندگی، امکان خرید کلی ندارند و خریدهای خود را به طور مکرر انجام می‌دهند. لذا لازمه اقتصاد ژاپن، وجود فروشگاه‌های محلی متعدد و کوچک برای خریدهای مکرر افراد است. دولت ژاپن در کنار این نیاز نظام حمل و نقل قوی و مناسبی را ایجاد کرده است که هزینه توزیع کالا را از این طریق به حداقل برساند.^{۴۶} این نشان از کنترل و حساسیت دولت ژاپن به این بخش است.

در ایران تعداد زیاد خرده‌فروشان این امکان را می‌دهد تا آن‌ها در قیمت‌گذاری کالاها دخالت کنند. در صورت ضعف نظارت دولت این مسئله می‌تواند بسیار مشکل‌زا شود.



وجود قیمت‌گذاری دلخواه در میان عوامل اقتصادی به تداوم و پیچیدگی پویایی‌های تورم کمک می‌کند. در اقتصاد ایران قدرت قیمت‌گذاری دلخواه به دلیل وجود شرایط بی‌ثبات و یا تغییرات قیمت‌های کلیدی بسیار پیچیده‌تر می‌شود. هم‌چنین آمارها نشان می‌دهد همواره بخش عمده‌ای از تخلفات اقتصادی عوامل فروش، به گران‌فروشی مربوط بوده است.^{۴۷} عمده‌فروشان نیز در افزایش غیر منطقی قیمت‌ها می‌توانند دخالت داشته باشند. عمده‌فروشی در ایران خصلت تقریباً سلسله‌مراتبی و چندمرحله‌ای دارد. یعنی در مورد هر گروه کالا، تعداد خریداران عمده و رده اول بسیار کم است که اینان هر کدام چندین خریدار عمده رده دوم را تحت پوشش دارند که کاملاً به آنان وابسته‌اند. در رده سوم بنکداران و نظایر آن قرار دارند که معمولاً کالاها را از رده چهارم به بعد تهیه می‌کنند. یک خرده‌فروش معمولی نیز معمولاً در مراجعه به حجره‌های بازار، حداکثر این که بتواند با بنکداران و حق‌العمل‌کارانی که در رده چهارم به بعد از این سلسله مراتب قرار دارند روبرو شود.^{۴۸} طولانی شدن زنجیره انتقال کالا از تولیدکننده به مصرف‌کننده باعث افزایش قیمت کالا می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه توصیه به انزوای اقتصادی و قطع تجارت با بقیه کشورهای دنیا نیست. این کار به هیچ وجه منطقی نبوده و امکان‌پذیر هم نیست. بلکه هدف مشخص شدن مسئله اهمیت تصمیم‌گیری در زمینه چگونگی اتخاذ سیاست آزادسازی تجاری و لحاظ کردن شرایط زمانی است.

نشان دادیم که با وجود تغییرات در نرخ‌های تعرفه و شبه تعرفه و تغییرات در زمینه موانع غیر تعرفه‌ای، الگوی کالاهای صادراتی و وارداتی کشور تقریباً با ثبات بود به این معنا که کشور ما واردکننده کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و صادرکننده مواد اولیه و خام بود. حتی گروه کالاهای صادراتی ما نیز تغییر چندانی نداشته است. این مطلب نشان دهنده این است که تغییر در میزان نرخ‌های تعرفه نتوانسته تغییرات اساسی در نظام تولید کشور ایجاد کند. آزادسازی تجاری در غیاب اصلاحات نهادی و رفع موانع در موجود در نظام تولید نمی‌تواند اثربخشی مثبتی داشته باشد. هم‌چنین اهمیت مجرای توزیع کالا و تأثیر آن بر قیمت کالاها را نیز نشان دادیم. این مسیر نشان می‌دهد که ضرورتاً کالاهای وارداتی با قیمت ارزان‌تر عرضه نخواهند شد و آثاری که به تبع کاهش قیمت کالاهای وارداتی انتظار می‌رفت تحقق نیابد. در زمینه تأثیر آزادسازی تجاری بر درآمد دولت نیز با

فرض وجود درآمدهای نفتی مشاهده شد که ضربه جبران ناپذیری وارد نمی‌شود. اما اگر درآمدهای نفتی رو به افول رود آن گاه از این مجرا نیز آسیب پذیر خواهیم بود. در بخش اثرگذاری در زمینه دستمزدها نیز مشاهده شد که طی سال‌های آزادسازی، درآمد خانوارهای شهری که اغلب حاصل از دستمزد است سیر نزولی داشته و درآمد خانوارهای روستایی که اغلب حاصل از فروش نیروی کار و همچنین محصولات کشاورزی است نیز روندی کاهش داشته است.

این مطالب نشان می‌دهد که ما باید در حد توانایی تئوری‌ها از آن‌ها انتظار داشته باشیم. در زمینه آزادسازی تجاری و اثر آن بر فقر در واقع نمی‌توان اتکای چندانی به تئوری‌های تجارت کرد چرا که حتی اگر تئوری‌ها درست پیش‌بینی کنند حداقل شرط لازم برای تحقق انتظارات، پایبندی همه کشورها به اصول تجارت است. مشاهده کردیم که حتی کشورهای پیشرفته هم منافع ملی خود را فدای منافع جهانی نمی‌کنند.

وقتی هدف ما از اتخاذ سیاست آزادسازی تجاری کاملاً مشخص باشد آن‌گاه قضاوت در مورد عملکرد و میزان دستیابی به اهداف بسیار آسان‌تر می‌شود. در دنیای کنونی تصمیم‌گیری کشورهای دیگر نیز بر کشور ما آثار قابل توجهی دارد. لذا باید در سیاست‌گذاری‌ها این مطلب نیز لحاظ شود. در بخش شواهد تجربی در جهان توضیح دادیم که آخرین جلسه مذاکرات WTO چگونه پایان یافت. این مسئله هشدار برای کشورهای در حال توسعه است که وقتی کشورهای توسعه یافته در زمینه اتخاذ سیاست‌های آزادسازی آنقدر محتاطانه برخورد می‌کنند چه لزومی دارد که کشورهای در حال توسعه تصمیمات شتاب‌زده بگیرند. باید در این زمینه با بصیرت بیشتری عمل کرد. به نظر می‌رسد نسل جدید تئوری‌های رشد درون‌زا جدای از روش تحلیل و مدل مورد استفاده یک نکته را به درستی و روشنی بیان می‌کنند و آن این مطلب است که اگر از درون کشور نیرویی برای حرکت و تغییر شرایط وجود نداشته باشد آن‌گاه نیروهای بیرونی نمی‌توانند چندان موثر باشند.

- ۱-Stanley Fischer
- ۲-Globalization and its Challenges
- ۳-Economic Globalization
- ۴-Fischer, ۲۰۰۳, p. ۳
- ۵- لیست، فردریک (۱۳۷۸)، اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی: تجانس‌ها و تعارض‌ها، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: نشر دیدار، ص
- ۶-Friedrich List
- ۷- به عنوان مثال می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد:
Bhagwati and Srinivasan (۲۰۰۱)
Dollar and Kraay (۲۰۰۳)
۸-Endogenous Technological Change
- ۹-Romer
- ۱۰-Grossman
- ۱۱-Helpman
- ۱۲- لیارد، ریچارد و والترز (۱۳۷۷)، تئوری اقتصاد خرد، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی، ص ۲۵
- ۱۳- برای بررسی بیشتر مواضع مختلف ارائه شده از سوی کارشناسان اقتصادی رجوع کنید به خطیبی (۱۳۸۷)، ص ۶۱ تا ۶۵
- ۱۴-Absolute Gap
- ۱۵-Glyn (۲۰۰۴). P. ۱۳
- ۱۶-Sutcliff, Bob (۲۰۰۴), " World Inequality and globalization", Oxford Review of Economic Policy, Vol. ۲۰, No. ۱, pp. ۱۵-۳۷
- ۱۷- برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به خطیبی (۱۳۸۷)، ص ۶۹ تا ۷۱
- ۱۸-Race to the Bottom
- ۱۹-Hanson and Harrison
- ۲۰- به نقل از (۲۰۰۲) Winters
- ۲۱-Martin Rama
- ۲۲- به نقل از (۲۰۰۲) Winters
- ۲۳-Adrian Wood (۱۹۹۷)
- ۲۴- رودریک (۱۳۸۷)، ص ۲۰۱
- ۲۵- رودریک (۱۳۸۷)، ص ۱۲۱
- ۲۶-Intellectual Property Right
- ۲۷-Coe and Helpman
- ۲۸-Research-incentive Economy
- ۲۹-Dowric and ,Golley (۲۰۰۴), p. ۵۳
- ۳۰-Human Capital
- ۳۱-Physical Infrastructure
- ۳۲- سالواتوره (۱۳۷۶)، ص ۲۷۳
- ۳۳- بنا به تعریف موانع شبه‌تعرفه‌ای عبارت است از هر گونه حقوق و عوارض دیگری که صرفاً از واردات کالاها اخذ می‌شود و در زمره تعرفه ملی کشور لحاظ نشود

- ۳۴- بنا به تعریف ارزش سیف عبارت از قیمت کالا به اضافه هزینه بیمه و حمل و نقل آن تا مقصد است.
- ۳۵- رازینی (۱۳۷۸)، ص ۱۴۰
- ۳۶- رازینی (۱۳۷۸)، ص ۱۴۴
- ۳۷- طی این سال‌ها همان قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۶۷ اعمال می‌شد اما با استفاده از تبصره‌های این قانون که به وزارت خانه‌ها اجازه صدور مجوز ورود کالا می‌داد زمینه‌های آزادسازی تجاری فراهم شد.
- ۳۸- برای توضیح بیشتر رجوع کنید به لیارد (۱۳۷۷)، ص ۶۰-۵۹
- ۳۹-Per Capita Earning
- ۴۰-Per Capita Income
- ۴۱-Income From Self-Employment
- ۴۲-Salary Income
- ۴۳- برای بررسی تفصیلی این مطلب رجوع کنید به خطیبی (۱۳۸۷)، صص ۱۶۲ تا ۱۶۷
- ۴۴- فرزین (۱۳۸۵)، ص ۱۳
- ۴۵- خطیبی (۱۳۸۷)، ص ۱۸۴
- ۴۶- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید فرزین (۱۳۸۵)، ص ۱۰۴-۸۹
- ۴۷- شاکری (۱۳۷۸)، ص ۲۳۰-۲۲۸
- ۴۸- احمدی (۱۳۷۵)، صفحه ۷

منابع فارسی:

- آزاد، سید ایمان، "بررسی کمی جایگاه بخش خدمات و زیربخش‌های آن در اقتصاد ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر علی اصغر بانویی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶.
- احمدی، عین اله، "فروشگاه زنجیره‌ای، جایگاه و مدیریت مطلوب"، مجموعه مقالات فروشگاه‌های زنجیره‌ای، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ص ۲۸-۱، ۱۳۷۵.
- خطیبی، سمیه، "بررسی نظریات آزادسازی تجاری و فقر و کاربرد آن در اقتصاد ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر مسعود درخشان، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.
- خور، مارتین، جهانی شدن و جنوب، ترجمه احمد ساعی، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۳.
- رازینی، ابراهیم علی (۱۳۷۸)، روش‌های منطقی کردن تعرفه‌ها در اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های وزارت بازرگانی.
- زاهدطلبان، علی، "تحول در سیاست تجاری ایران: حرکت به سمت حاکم کردن ابزارهای تعرفه‌ای"، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۲ و ۳، ۱۳۸۵.
- رفعتی، محمدرضا، تأثیر آزادسازی بر تقاضای واردات در ایران: مطالعه کالایی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵.
- رودریک، "استراتژی‌های رشد در: یوسفی، محمد قلی (۱۳۸۷)، استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی، تهران: نشر نی، فصل هفتم، ۱۳۸۷.
- سالواتوره، دومینیک، تجارت بین‌الملل، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- شاکری، عباس، اقتصاد خرد ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- شاکری، عباس، "بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران"، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.

- فتحی، یحیی، بررسی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای صادرات ایران در بازارهای هدف، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های وزارت بازرگانی، ۱۳۸۱.
- فرزین، محمد رضا، "آسیب شناسی شبکه‌های توزیع کالا: مطالعه موردی سیب و پرتقال، شیر، سیب زمینی و پیاز، کت و شلوار و مانتو"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵.
- لیارد، ریچارد و والترز، آلن آرتور، نتوری اقتصاد خرد، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
- محب علی، داوود، "نقش فروشگاه‌های زنجیره‌ای در نظام توزیع و فواید آن برای مصرف‌کننده"، مجموعه مقالات فروشگاه‌های زنجیره‌ای، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ص ۴۳۳-۴۲۵، ۱۳۷۵.
- نماگرهای مالیاتی شماره دوم، سازمان امور مالیاتی کشور معاونت برنامه‌ریزی و فن‌آوری اطلاعات، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، زمستان ۱۳۸۵.
- نماگرهای مالیاتی شماره پنجم و ششم، سازمان امور مالیاتی کشور معاونت برنامه‌ریزی و فن‌آوری اطلاعات، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- هلر، رابرت، تجارت بین‌الملل: نظریه و شواهد، ترجمه ملک آفاق فتحیان پور کندلزی و معصومه نونژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- - "نفث در لایحه"، درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۸۶.
- - "تحقق درآمدهای بودجه‌ای"، درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه ۱۳۸۶.

منابع انگلیسی:

- Bhagwati, J. and Srinivasan, T. N. (2001), " Trade and poverty in the Countries", http://www.econ.yale.edu/~srinivas/trade_poverty.pdf
- Coe, D. T., and Helpman, E. (1995), ' International R&D Spillover', European Economic Review, Vol. 39, No. 5, pp. 859-887.
- Dollar, D. and Kraay, A. (2001), " Tarde, Growth, and Poverty", Woeld Bank Policy Research Working Paper, No. 2615.
- Dowrick, S. and Golly, Jane (2004), " Trade Openness and Growth: Who Benefits?" Oxford Review of Economic Policy, Vol. 20, No. 1, pp. 38-56.
- Feenstra, Robert C. (2004), Advanced International Trade, Princeton University Press.
- Fischer, Stanley (2003). " Globalization and Its Challenges", The American Economic Review, Vol. 93, No. 2.
- Glyn, Andrew (2004), " The Assessment: How Far Has Globalization Gone?", Oxford Review of Economic Policy, Vol. 20, No. 1, pp. 1-14.
- Salehi-Isfahani, Djavad (2006), " Revolution and redistribution in Iran: poverty and inequality 25 years later", <http://www.filebox.vt.edu/user/salehi/Iran-poverty-trend.pdf>.

- Stolper, wolfgang F. and Samuelson, Paul A. (1941)," Protection and Real Wages", The review of Economic Studies, Vol. 9, No. 1, pp. 58-73.
- Sutcliff, Bob(2004)," World Inequality and globalization", Oxford Review of Economic Policy, Vol. 20, No. 1, pp. 15-37.
- Winters, L. Alan (2000)," Trade and Poverty: Is There a Conection?", Chapter 3 in Ben David D, Nordstrom H and Winters L. A, Tarde, Income Disparity and Poverty, WTO Geneva, June 2000, pp.43-69, http://www.wto.org/spanish/news_s/pres00_s/pov3_e.pdf .
- World Bank(2001),World Development Report 2000/2001, Oxford U. Press, N.Y.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی